

قوانین

۹۰ - تاریخ انتشار بیست و سوم دیماه ۱۳۳۱ شماره ۲۱۸۹۶ ۳۱/۱۰/۱۶

لایحه قانونی اصلاح قانون آئین دادرسی مدنی

مواد زیر از قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۵ - ۶ - ۱۳۱۸ بشرح زیر اصلاح و یا نسخ میگردد .

ماده (۱۳) در شق یک و دو و چهار این ماده مبلغ ده هزار ریال تبدیل میشود به پنجاه هزار ریال .

ماده (۱۵) اگر درمقر دادگاه بخش دادگاه شهرستان نباشد دادگاه بخش درموارد زیر رسیدگی خواهد نمود .

۱) دعاوی که خواسته آن تا یکصد هزار ریال باشد .

۲) نسبت باختلافات راجعه باسناد ثبت احوال .

ماده (۱۶) باین ماده تبصره زیر اضافه میشود .

تبصره (هرگاه درضمن اعتراض بتقاضای انحصار وراثت دعوی نسب بشود دادگاه بخش هر دو پرونده را بدادگاه شهرستان می فرستد و دادگاه مزبور بتقاضای انحصار وراثت و دعوی نسب رسیدگی کرده حکم صادر خواهد نمود .

ماده (۱۹) درنقطاتی که دادگاه بخش نیست دادگاههای شهرستان بدعاوی نیز رسیدگی مینمایند که داخل در صلاحیت دادگاههای بخش است در این صورت حکم دادگاههای نامبره که خواسته آن بیش از دوهزار ریال نباشد قطعی و غیرقابل پژوهش است و مرجع پژوهش قرارها و احکامی که قابل پژوهش است نزدیکترین دادگاه شهرستان خواهد بود مگر اینکه وزارت دادگستری دادگاه شهرستان دیگری را معین نماید .

ماده (۲۹) درمورد قسمت اخیر ماده بالا دادگاه باید دادخواست راجع بدعوی طاری را بدادگاه صلاحیت دار بفرستد .

هرگاه دعوی اصلی دردادگاه بخش بوده و دعوی طاری ازحدنصاب دادگاه بخش خارج باشد در اینصورت دعوی اصلی نیز باید بدادگاه شهرستان صلاحیت دار احاله شود مگر اینکه طرفین دعوی برسیدگی دادگاه بخش تراضی نمایند .

ماده (۵۳) اگر در موضوع یک دعوی بین دادگاه دادگستری و دادگاه غیر دادگستری یا اداره دولتی اختلاف در صلاحیت نفیاً یا ایجاد شود بدون اینکه احتیاج بطرح در مراحل دیگری داشته باشد حل آن در دیوان کشور مطابق مواد زیر بعمل میآید .

ماده (۶۲) جمله زیر باین ماده اضافه میشود .

فوائین

اشاره بشماره های مذکور در این ماده بدون ذکر موضوع آن تصریح محسوب

نمی شود .

ماده ۶۳) وکیل در دادرسی حق درخواست صدور برگ اجرائی و تعقیب عملیات اجرائی را دارد مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد ولی حق اخذ محکوم به را وکیل در صورتی خواهد داشت که در وکالتنامه تصریح شده باشد .

ماده ۶۶) استعفاء وکیل مانع جریان دادرسی نیست و چنانچه عزل یا استعفاء پس از پاسخ کتبی یا در جلسه محاکمه باشد حکمی که صادر میشود حضوری خواهد بود .

ماده ۶۹) در صورت فوت یا استعفاء و یا عزل و یا ممنوع شدن یا تعلیق از وکالت و یا بازداشت وکیل در صورتیکه توضیحی لازم نباشد دادرسی بتأخیر نیافتد و در صورت احتیاج بتوضیح دادگاه باید در صورت مجلس قید و بموکل اطلاع دهد که اوشخصاً یا توسط وکیل جدید در موعدی که از طرف دادگاه معین میشود برای توضیح حاضر شود اگر وکیل بعد از ابلاغ حکم و قبل از انقضاء مدت پژوهش یا فرجام فوت کند و یا ممنوع از وکالت شود ابتداء مدت اعتراض یا پژوهش یا فرجام از تاریخ ابلاغ بموکل محسوب خواهد شد .

همین حکم جاری است در موردیکه وکیل بواسطه قوه قاهره (فرس مارژ) قادر بانجام وظیفه وکالت نباشد .

ماده ۶۹ مکرر) وکلاء مکلفند در موقع محاکمه حاضر شوند و چنانچه عذر موجهی از قبیل فوت یکی از اقرباء نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم و یا ابتلاء بر مرضی که مانع از حرکت و یا اینکه حرکت جهت او مضر تشخیص شود و همچنین در مواقعیکه حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله و غیره مانع از حرکت آنها باشد داشته باشند باید عذر خود را کتباً با دلایل آن بدادگاه برای جلسه محاکمه بفرستند و دادگاه در صورتی باطلاع وکیل ترتیب اثر میدهد که عذر او را محرز بداند و الا جریان محاکمه را ادامه داده و مراتب را بجمع صلاحیتدار برای تعقیب انتظامی وکیل اطلاع خواهد داد در موردیکه دادگاه بعلت عذر وکیل تجدید جلسه میکند وقت جلسه را نیز باید بموکل اطلاع دهد و دیگر جلسه بعلت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد .

هیچیک از اصحاب دعوی نمیتوانند بیش از دو وکیل داشته باشند و در صورت تعیین دونفر که بهیچیک از آنها منفرداً حق اقدام نداده باشد حضور یکی از آنان یا وصول لایحه دفاعیه از طرف یکی از آنها برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورتیکه هر دو یا یکی از وکلاء غائب عذر موجهی اظهار کرده باشد بترتیبی که در فوق مقرر است عمل خواهد شد .

ماده ۷۲ - شق ۲ اینماده باین شرح اصلاح میشود .

۲ - نام ونام خانواده واقامتگاه و شغل مدعی علیه .

ماده ۷۴ - مدعی باید رونوشت یا عکس یا گراور اسناد خود را پیوست دادخواست

کند رونوشت یا عکس یا گراور باید خوانا و مطابقت آن با اصل گواهی شده باشد .

قوالب

مقصود از گواهی آنست که دفتر دادگاه که دادخواست بانجا داده میشود یا دفتر یکی از دادگاههای دیگر یا یکی از ادارات ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی ودرجائیکه هیچیک از آنها نباشد. بچشمدر محل یا یکی از ادارات دولتی مطابقت آنرا با اصل گواهی کرده باشد در صورتیکه رونوشت یا عکس یا گراور سند در خارج تهیه شده باشد باید مطابقت آن با اصل در دفتر یکی از سفارتخانه ها یا کنسولگریهای ایران گواهی شود. هرگاه اسناد مفصل باشد مثل دفتر بازرگانی یا اساسنامه شرکت و امثال آن قسمتهائی که مدرک ادعا است خارج نویس شده پیوست دادخواست میگردد . ماده ۶۹ - در اینماده مبلغ پانصد ریال بدو هزار ریال تبدیل میشود .

ماده ۸۳ - هرگاه در دادخواست مدعی یا محل اقامت او معلوم نباشد در ظرف دوزوز از تاریخ رسید دادخواست بموجب قراریکه مدیر دفتر دادگاه ودرغیبت مشارالیه جانشین او صادر میکند دادخواست رد میشود رونوشت این قرارکه باید حاوی علت رد باشد در دفتر دادگاه مدت ده روز به دیوار الصاق میگردد مدعی میتواند ظرف ده روز از تاریخ الصاق قرار بدیوار بدادگاهی که دادخواست بانجا داده شده شکایت نماید دراینصورت دادگاه رسیدگی نموده و رأی صادر قطعی خواهد بود .

ماده ۸۵ درموارد ماه قبل مدیر دفتر دادگاه در ظرف دوزوز نقائص دادخواسترا بطور تفصیل بمدعی کتباً اطلاع داده و از روز ابلاغ پنج روز با رعایت مدت مسافت باو مهلت میدهد که نقائص را رفع کند و در صورتیکه در موعده رفع نمود دادخواست بموجب قراریکه مدیر دفتر ودر غیبت مشارالیه جانشین او صادر میکند رد میشود این قرار بمدعی ابلاغ میشود و مشارالیه میتواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ بدادگاهی که دادخواست بانجا داده شده شکایت نماید رأی دادگاه قطعی است .

ماده ۸۷) درشق ۴ این ماده مبلغ دو هزار ریال تبدیل میشود به پنجاه هزار ریال ماده ۸۸) درمواردی که مابین اصحاب دعوی در بهای خواسته اختلاف شود وتفاوت تا نصف کمترین بهائی که تعیین شده است باشد حد وسط بهائی که اصحاب دعوی معین نموده اند بهای خواسته محسوب میشود و اگر تفاوت زائد از نصف کمترین بها باشد دادگاه در صورت امکان با استفاده از مندرجات اسناد طرفین وقرائن و امارات وسایر وسائلی که در اختیار دارد بهای تقریبی خواسته معین مینماید .

هرگاه دادگاه نتواند بهای خواسته را تعیین کند ومحتاج بجلب نظر کارشناس باشد بهزینه معترض بهای خواسته بدون دخالت طرفین یکنفر کارشناس برای تشخیص بهای خواسته تعیین مینماید ومبعترض اخطار میکند که در ظرف ۳ روز دستمزد کارشناس را بپردازد وچنانچه درست مقرر دستمزد را نپرداخت اعتراض او بی اثر خواهد بود . کارشناس باید در اولین فرصت بهای خواسته را تعیین و بدادگاه اعلام دارد بهای تعیین شده از طرف دادگاه یا کارشناس بطرفین ابلاغ میشود و چنانچه زائد بر میزان معین در دادخواست باشد بدستور مدیر دفتر هزینه دادرسی ما به التفاوت از خواهان وصول خواهد شد در صورتیکه در نتیجه تعیین بهای خواسته دادگاه صلاحیت

فوانین

برای رسیدگی نداشته باشد پرونده را بدادگاه صالح میفرستد . تصمیم دادگاه در تعیین بهای خواسته قطعی است .

ماده ۹۰) ابلاغ دادخواست و پیوستها باید بتوسط مأمور ابلاغ بعمل آید و مأمور نامبرده مکلف است آنرا در ظرف ۲ روز بشخص مدعی ابلاغ نموده و در نسخه ثانی رسید اخذ کند در صورت امتناع مدعی علیه از گرفتن برگها امتناع او را بگواهی یک نفر پاسبان یا امنیه یا ۲ نفر گواه از اهل محل در برگ ابلاغ نامه قید و بدفتر دادگاه عودت دهد

ماده ۹۲) اگر اشخاص مذکور در ۲ ماده قبل نتوانند بواسطه بی سوادی یا بجهت دیگری رسید بدهند مأمور ابلاغ دادخواست و پیوستها آنرا با حضور یک نفر پاسبان یا امنیه و یا ۲ نفر گواه از اهل محل بآنها تسلیم کرده مراتب را در برگ ابلاغنامه قید و بامضای گواه میرساند .

ماده ۹۴) در صورتیکه هیچیک از اشخاص مذکور در ماده ۹۰ و ۹۱ در محل نباشد مأمور ابلاغ این امر را بگواهی یک نفر پاسبان یا امنیه یا ۲ نفر گواه از اهل محل رسانیده و برگها را بدفتر دادگاه عودت میدهد و نیز اعلامیه ای مشتمل بر قیود ۱ و ۲ و ۴ مذکور در ماده فوق و اینکه در وقت حضور مأمور کسی در محل نبوده است تنظیم نموده و بدرب اقامتگاه مدعی علیه می چسباند و بعلاوه آگهی در روزنامه رسمی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار که وزارت دادگستری برای آگهی های رسمی در مرکز و شهرستان ها معین میکند یک نوبت منتشر میشود و در آگهی مفاد دادخواست و اینکه اعلامیه بدرت اقامتگاه مدعی علیه چسبانیده شده درج میگردد و اگر از تاریخ نشر آگهی تا یکماه مدعی علیه برای رؤیت دادخواست بدفتر دادگاه مراجعه نکند دادخواست ابلاغ شده محسوب است عدم مراجعه مدعی علیه بدفتر باید بگواهی مدیر دفتر برسد .

مدعی میتواند درخواست نماید که قبل از آگهی دادخواست و پیوستهای آن مجدداً بمحل مدعی علیه فرستاده شود .

ماده ۱۰۴) در صورتیکه شرکاء ملک یا قنات یا مجاری مباح و حقایق رودخانه ها و سایر حقوق راجعه باسوال غیر منقول بیش از پانزده نفر باشند و طرف دعوی واقع شوند بدخواست مدعی دادخواست بدونفر از شرکاء که سهام زیادی دارند ابلاغ میشود و بعلاوه مفاد دادخواست و پیوستهای آن در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار که وزارت دادگستری تعیین مینماید سه دفعه متوالی آگهی خواهد شد و در آگهی مزبور باید ذکر شود که اگر بعد از آن ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یک دفعه آگهی در روزنامه خواهد شد .

ماده ۱۰۵) اگر مدعی علیه در حوزة دادگاه دیگری اقامت دارد دادخواست بتوسط دفتر آن دادگاه بوسیله مأمور ابلاغ میشود و در جائی که دادگاه نیست توسط اداره شهربانی یا امنیه یا بخشدار یا دهدار محل یا باپست سفارشی دوقبضه و در جائیکه هیچیک از این وسائل نباشد بوسیله آگهی در روزنامه ابلاغ میشود و هرگاه مدعی علیه در خارج

قوانین

ایران باشد بوسیله وزارت امور خارجه ابلاغ خواهد شد و در صورتیکه در توقیفگاه یا در زندان باشد دادخواست و مدارک در محل نام برده باو ابلاغ میشود .

ماده ۱۱۰) جمله زیر بآخر این ماده اضافه میشود :

و چنانچه بر دادگاه معلوم شود که اعلام تغییر محل اقامت برخلاف واقع بوده اوراقی که بهمان محل اقامت اولیه ارسال گردیده و رعایت مفاد ماده ۱۰۸ نسبت بآنها بعمل آمده ابلاغ شده محسوب است .

ماده ۱۱۱) در صورتیکه احتیاج بتعیین جلسه باشد جلسه دادرسی برای اولین روزیکه دادگاه مطابق دفتر اوقات وقت رسیدگی دارد معین میشود ولی وقت باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت باصحاب دعوی و روز جلسه کمتر از سه روز نباشد .
ماده ۱۲۷) دادگاه میتواند جلسه دادرسی را با رضایت متداعیین فقط بکثوبت بتأخیر اندازد .

ماده ۱۲۸) مدیر دفتر پس از مبادله لوایح باید پرونده را در ظرف ۲۴ ساعت بنظر حاکم دادگاه برساند و حاکم دادگاه پرونده را ملاحظه نموده در صورتی که محتاج به توضیحاتی از اصحاب دعوی نباشد رأی آنرا صادر میکند و اگر محتاج به توضیح باشد مواردیکه توضیح آن لازم است بطور روشن در ورقه صورتمجلس قید کرده دستور تعیین جلسه میدهد موارد محتاج بتوضیح که از طرف حاکم دادگاه معین شده است ضمن اخطاریکه برای حضور طرفین فرستاده میشود قید میگردد و در جلسه فقط اظهارات طرفین در زمینه توضیحاتی که حاکم دادگاه خواسته است بطور خلاصه در صورتمجلس نوشته میشود . حاکم باید نسبت بهریکه از پرونده هائیکه از دفتر میرسد بترتیب ورود کار برای اجرای این ماده تعیین تکلیف نماید .

هرگاه وکیل فوت یا ممنوع یا معلق از وکالت یا توقیف شود در صورتیکه دادگاه محتاج بتوضیحی از وکیل مزبور نباشد رأی خود را صادر میکند .
همین حکم نسبت بفوت یا توقیف هریک از اصحاب دعوی که وکیل نداشته باشند نیز جاری است .

ماده ۱۳۱) هرگاه اظهاریکی از طرفین مشتمل بر اقرار باشد و یا بجهتی دادگاه درج عین اظهار را لازم بداند عین آن در صورت جلسه درج میشود .

ماده ۱۳۴) دادگاه مکلف است در پایان جلسه صریحاً تعیین نماید که محاکمه را بمنظور صدور حکم ختم مینماید و چنانچه بجهت موجه مذکور در این قانون تجدید جلسه دیگری لازم باشد علت ذیل همان صورت جلسه باید قید گردد و پس از اعلام ختم محاکمه اقدام دیگری بجز صدور رأی ممنوع است .

در صورتیکه دعوی قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور حکم باشد دادگاه میتواند نسبت بهمان قسمت دادرسی را ختم کرده و نسبت بقسمت دیگر رسیدگی را ادامه دهد .

قوانین

ماده ۱۳۸) جمله زیر آخر این ماده اضافه میشود :

و در هر موقعیکه رفتار تماشاجیها محل نظم جلسه باشد رئیس دادگاه میتواند امر باخراج تمام یا بعضی از آنها را بدهد .

ماده ۱۴۱) عبارت زیر بآخر این ماده اضافه میشود .

در محاکمات عادی در صورتیکه مورد از موارد ابلاغ بوده و محتاج بتعین جلسه نباشد دادگاه بوسیله دفتر دادسرا بدادستان اطلاع میدهد که در ظرف ۳ روز پزیرونده مراجعه و عقیده خود را کتباً بدهد عدم حضور یا خودداری دادستان از اظهار نظر در موعد مقرر و یا در جلسه موجب تعویق رسیدگی و یارأی نخواهد شد .

ماده ۱۴۶) مدعی باید اصول اسنادی که رونوشت آنرا ضمیمه داد خواست کرده در جلسه دادرسی حاضر نماید مدعی علیه نیز باید اصول و رونوشت اسنادی را که میخواهد بان استناد نماید در جلسه دادرسی حاضر کند رونوشت اسناد مدعی علیه باید بعدمدعیان بعلاوه یک نسخه باشد و یک نسخه از رونوشت‌های مزبور در پرونده بایگانی و نسخه دیگر بطرف تسلیم میشود .

در مورد این ماده هرگاه یکی از طرفین نخواهد یا نتواند در دادگاه حاضر شود چنانچه مدعی است باید اصول اسناد خود را و اگر مدعی علیه است اصول و رونوشت اسناد را بوکیل یا نماینده خود برای ارائه در دادگاه و ملاحظه طرف بفرستد و الا در صورتی که آن سند مورد تردید یا انکار طرف واقع شود و سند عادی باشد از عداد دلائل طرفی که از حضور و فرستادن سند بدادگاه خودداری کرده خارج خواهد گردید در صورتی که خواننده بواسطه کمی مدت نتوانسته باشد اسناد خود را حاضر کند حق دارد تعویق جلسه را بخواهد و هرگاه دادگاه خواهش او را مقرون بصحت دانست جلسه دیگر معین میکند و دیگر تجدید جلسه جائز نیست هر چند با تراضی طرفین باشد .

ماده ۱۴۷) مدعی نیز میتواند تعویق جلسه را بخواهد در صورتیکه مدعی علیه اقامه دلائلی کند که دفاع از آن برای مدعی مقدور نباشد مگر با ارائه اسناد جدید در این صورت برای حاضر کردن اسناد جدید جلسه دیگری معین میشود و تعویق جلسه دیگر جائز نخواهد بود هر چند با تراضی طرفین باشد .

ماده ۱۴۸) نسبت بدعاوی که خواسته آن دو هزار ریال یا کمتر است طرفین میتوانند عین اسناد خود را بدادگاه تقدیم نمایند .

ماده ۱۵۲) عبارت زیر بآخر این ماده اضافه میشود .

در مورد مواد ۱۱۱ تا ۱۱۵ درجائیکه دادگاه مطابق ماده ۱۲۸ تعیین جلسه نمینماید باید در ظرف یک هفته از تاریخ وصول پرونده رأی خود را بدهد .

ماده ۱۶۳) هرگاه وکیل در دادرسی وکالت برای دادرسی در مرحله بالا تر نداشته باشد و یا مجاز برای وکالت در مرحله بالا تر نباشد و وکالت در تعیین وکیل مجاز هم نداشته و یا وکیل استفاده کرده یا قوت شده باشد حکم یا قرار باید بموکل ابلاغ شود و مدیر

فوائین

دفتر دادگاه رونوشتی از حکم یا قرار برای ابلاغ بموکل میفرستد و ضمناً جهت ابلاغ بموکل را باو اطلاع میدهد .

همین حکم جاری است در مواردیکه وکیل توقیف و یا ممنوع الوکاله و یا معلق از شغل و کالت گردد و یا بواسطه قوه قاهره (فرس ماژر) قادر بانجام وظیفه و کالت نباشد در موارد فوق حکم یا قرار باقیه جهت آن بموکل ابلاغ میشود و تاریخ ابلاغ بموکل مبدء مهلت قانونی محسوب است .

ماده (۱۶۴) حکم دادگاه در محاکمات عادی در تمام موارد حضوری محسوب است مگر در موردی که مدعی علیه هیچ جواب کتبی نداده باشد و در محاکمات اختصاری حکم دادگاه حضوری است مگر آنکه مدعی علیه در هیچیک از جلسات حاضر نشده باشد .

ماده (۱۶۵) عدم حضور هر یک از طرفین در جلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست در موردیکه دادگاه محتاج بتوضیحی از مدعی باشد و مدعی در جلسه که برای توضیح معین شده حاضر نشود و با اخذ توضیح از مدعی علیه هم دادگاه نتواند رأی بدهد دادخواست مدعی ابطال میشود و همچنین در صورتیکه هیچیک از طرفین حاضر نشوند و دادگاه نتواند رأی بدهد نیز دادخواست مدعی ابطال میشود .

ماده (۱۶۶) چنانچه مدعی در بیادله لوائح پاسخ ندهد مدیر دفتر پرونده را ظرف ۲۴ ساعت بدادگاه ارسال میدارد و دادگاه پس از ملاحظه پرونده در صورتی که احتیاجی بتوضیح از مدعی نداشته باشد رأی میدهد والا موارد توضیح را در صورت مجلس قید و بطرفین اخطار مینماید و در جلسه چنانچه دادگاه باستماع توضیح طرفین یا یکطرف نتواند رأی میدهد و اگر بعلت غیبت یکطرف نتواند رأی بدهد و غائب مدعی باشد دادخواست او را ابطال میکند .

این حکم در صورت حضور مدعی در غیاب مدعی علیه و عدم تقاضای رأی نیز جاری است .

در کلیه مواردیکه دادخواست ابطال میشود دادگاه بتقاضای مدعی علیه حکم خسارات وارده بر او را میدهد .

ماده (۱۷۱) در موردیکه مدعی علیه متعدد است هر گاه حکم نسبت به یک نفر از آنها طبق مواد قبل حضوری باشد نسبت ب دیگران هم حضوری محسوب است .

ماده (۱۷۴) محکوم علیه غائب میتواند در ظرف ده روز بحکم غیابی بوسیله دادخواست اعتراض کند .

ماده (۱۷۵) مدت مذکور در ماده قبل از تاریخ ابلاغ واقعی حکم غیابی یا رونوشت آن بمحکوم علیه یا وکیل او با رعایت مسافت قانونی بین مقر دادگاه و اقامتگاه آنها حساب میشود و هر گاه ابلاغ بشخص محکوم علیه میسر نباشد و بطرق دیگر قانونی ابلاغ بعمل آید باز هم ابلاغ محسوب و حکم غیابی پس از گذشتن مهلت های قانونی و قطعی شدن بموقع اجراء گذاشته خواهد شد و محکوم علیه غائب در صورتیکه مدعی عدم ابلاغ باشد

قوانین

میتواند دادخواست اعتراض بدادگاه صادرکننده حکم غیابی بدهد و دادگاه بدو در این باب رسیدگی نموده قرار رد یا قبول دادخواست را میدهد و دادن دادخواست اعتراض مانع اجرای حکم غیابی که قطعی محسوب شده نخواهد بود مگر آنکه از دادگاه قرار قبول دادخواست اعتراض صادر شود.

ماده (۱۷۷) هرگاه کسی که حق اعتراض بحکم غیابی دارد در اثناء مدت اعتراض ورشکسته - محجور یا فوت شود مدت اعتراض از تاریخ ابلاغ حکم غیابی بمدیر تصفیه درمورد ورشکسته و از تاریخ ابلاغ بقیه درمورد محجور و از تاریخ ابلاغ بوارث یا قائم مقام در مورد فوت محکوم علیه شروع میشود.

ماده (۱۷۸) اگر سمت یکی از طرفین دعوی نمایندگی از قبیل ولایت یا قیمومت و یا وصایت بوده و این سمت قبل از انقضاء مدت اعتراض از او زایل گردد مهلت اعتراض از تاریخ حکم بکسی که باین سمت قائم مقام او میشود شروع خواهد شد و اگر زوال این سمت بواسطه رفع حجر باشد مدت اعتراض از تاریخ ابلاغ حکم بکسی که از او رفع حجر شده است شروع میگردد.

ماده (۱۸۲) درمواد مذکور فوق مدیر دفتر دادگاه در ظرف دو روز بدادخواست دهنده نواقص را کتباً اطلاع داده و از روز ابلاغ پنجروز با رعایت مسافت قانونی با مهلت میدهد که نواقص را رفع کند در صورتیکه آنرا رفع ننمود دادخواست بموجب قراریکه مدیر دفتر و در غیبت مشارالیه جانشین اوصادرمیکنند رد میشود این قرار بمعترض ابلاغ میشود و مشارالیه میتواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ بدادگاهی که دادخواست بانجا داده شده شکایت نماید رأی دادگاه قطعی است. هرگاه نقص دادخواست از جهت موجود نبودن و کالتنامه باشد در صورتیکه و کالتنامه در مدت مقرر برای رفع نقص بدفتر دادگاه برسد دادخواست قبول خواهد شد اگرچه و کالتنامه بعد از انقضای مدت اعتراض تنظیم شده باشد.

ماده ۱۸۴- در محاکمات عادی و اختصاری مدیر دفتر در ظرف دو روز یک نسخه از دادخواست و پیوست های آنرا برای طرف مقابل میفرستد و طرف در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ باید بعده معترض علاوه یک نسخه پاسخ بدهد دادگاه پس از ملاحظه پاسخ در صورتی که محتاج بخواستن توضیحی نباشد رأی میدهد والا تعیین جلسه نموده و یک نسخه از پاسخ معترض علیه را با پیوستهای آن برای ابلاغ بمعترض میفرستد و همچنین موارد توضیح را هم بطرفی که باید توضیح دهد ابلاغ مینماید و در جلسه مقرر اعم از اینکه طرفین یا یکی از آنها حاضر نشود دادگاه رأی مقتضی صادر مینماید و در هر حال حکم دادگاه نسبت بطرفین حضوری است.

هرگاه معترض علیه در ظرف ده روز مقرر فوق پاسخ ندهد دادگاه پرونده را ملاحظه نموده در صورتی که محتاج بتوضیحی نباشد رأی میدهد والا بترتیب فوق عمل میکنند و حکمی که صادر میشود حضوری محسوب است.

قوالین

ماده ۱۸۸) کسی غیر از معترض بحکم از رأی دادگاه استفاده نمیکنند مگر اینکه رأی دادگاه قابل تجزیه و تفکیک نباشد که در اینصورت رأی دادگاه نسبت باشخصی هم که حکم غیاب شامل آنها بوده و اعتراض نکرده‌اند سرایت خواهد نمود.
ماده ۱۹۱) اجرای موقت احکام فقط بدخواست یکی از اصحاب دعوی میشود و مخصوص است بموارد زیر:

۱- وقتی که موعد اجاره منقضی شده و بموجب حکم دادگاه مستأجر محکوم بوده یا تسلیم یا تخلیه عین مستأجر شده است.

۲- وقتی که در منازعات راجعه باجیر نمودن و اجیر شدن حکم دادگاه در باب مرخصی اجیر صادر شده است.

۳- در کلیه احکامی که در دعاوی بازرگانی صادر میشود.

۴- در مواردیکه اوضاع و احوال مدلل کند که مدعی علیه درصدد مسافرت بخارج از ایران است و تأخیر باعث عدم اجرای حکم یا قرار در آتیه خواهد بود.

تبصره- در تمام موارد مذکور بالا وقتی قرار اجرای موقت صادر میشود که خواسته قبلاً تأمین نشده باشد.

ماده ۱۹۶) تبصره زیر باین ماده اضافه میشود.

تبصره- در مورد شق ۴ ماده ۱۹۱ دادگاه بدون ابلاغ بطرف نسبت بتقاضای اجرای موقت تصمیم لازم اتخاذ میکند.

ماده ۱۹۷) در موارد زیر مدعی علیه میتواند فقط ضمن اولین پاسخ نسبت بماهیت دعوی هر ایرادی که دارد بکند:

۱- وقتی که دادگاه صلاحیت ذاتی نداشته باشد.

صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت بدادگاه استان و بالعکس دادگاههای دادگستری نسبت بمراجع غیر دادگستری صلاحیت ذاتی است.

۲- در موردی که دعوی از جهت صلاحیت نسبی راجع بدادگاه دیگری است.

۳- در موردی که دعوی بین همان اشخاص در همان دادگاه و یا دادگاه دیگری که از حیث درجه یا آن دادگاه مساوی است قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی است و یا اگر همان دعوی نیست دعوائی است که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد.

۴- در صورتیکه دعوی مشمول مرور زمان باشد.

۵- در صورتیکه مدعی اهلیت قانونی برای اقامه دعوی نداشته باشد از قبیل

صغیر و غیر رشید و مجنون یا کسی که متنوع از تصرف در اموال خود در نتیجه حکم ورشکستگی باشد.

۶- وقتی که ادعا متوجه شخص مدعی علیه باشد.

۷- هرگاه کسی بعنوان نمایندگی اقامه دعوی کرده از قبیل وکالت یا ولایت

یا قیمومت و سمت او محرز باشد.

قوانین

۸- وقتیکه دعوی طرح شده سابقاً بین همان اشخاصی که اصحاب دعوی قائم مقام آنها هستند . رسیدگی و نسبت بان حکم صادر شده باشد .

ماده ۲۰۱) باخرین ماده اضافه میشود :

ایراد مرور زمان را مدعی علیه میتواند در محاکمات عادی در اولین لایحه که در جواب دعوی میدهد و در محاکمات اختصاری در اولین جلسه و در مورد حکم غیابی ضمن اعتراض یا اولین لایحه که در جواب اعتراض داده میشود بنماید و همچنین است در مورد شکایت پژوهشی از حکم غیابی .

ماده ۲۰۲) در مورد فقرات ۱-۶-۷-۸ ماده ۱۶۷ قطع نظر از ایراد اصحاب دعوی دادگاه باید از رسیدگی امتناع نماید و در مورد قتره ۲ از ماده ۱۹۷ در صورتی دادگاه از رسیدگی امتناع مینماید که بصلاحت آن دادگاه ایراد شده باشد .

ماده ۲۰۳) دادگاه در صورت قبول ایراد مدعی علیه راجع بعدم صلاحیت قرار عدم صلاحیت میدهد و در مورد شق ۳ از ماده ۱۹۷ هرگاه دعوی در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد از رسیدگی به دعوی امتناع کرده و پرونده امر را بدادگاهی که دعوی در آن مطرح است میفرستد و در سایر موارد مذکور در ماده ۱۹۷ دادگاه قرار رد دعوی میدهد .

ماده ۲۰۴) در محاکمات عادی پس از مبادله لوائح و ارجاع پرونده به دادگاه و در محاکمات اختصاری در اولین جلسه دادگاه مکلف است قبل از ورود در ماهیت دعوی نسبت بایرادات رسیدگی کرده و رأی مقتضی صادر کند و در صورت رد ایراد مطابق ماده ۱۲۸ و ۱۳۴ اقدام نماید .

ماده ۲۰۸) شق ۶ این ماده باین شرح اصلاح میشود :

در صورتیکه مابین دادرس و یکی از اصحاب دعوی یا زوجه او دادرسی مدنی در دادگاه دیگری قبلاً وجود داشته و فعلاً هم مطرح باشد و یا دادرس و یا زوجه او بر یکی از طرفین اقامه دعوی مدنی نمایند .

ماده ۲۰۹) رد دادرس از طرف اصحاب دعوی باید منتها تا جلسه اول رسیدگی بعمل آید مگر آنکه جهت رد دادرس جز در مورد قسمت اول شق ۱ ماده ۲۰۸ در حین دادرسی حادث شود .

ماده ۲۱۱) اظهار رد ممکن است کتبی باشد یا شفاهی .

در صورتیکه اظهار رد کتبی باشد مدیر دفتر مکلف است فوراً آنرا بنظر دادرس برساند و اظهار شفاهی در صورت جلسه دادگاه قید و باسباض اظهار کننده میرسد .

ماده ۲۱۲) دادرس پس از اطلاع از ایراد مکلف است قرار صادر کند و هرگاه دادرس رد را قبول نکرد باید بر رسیدگی ادامه دهد و ایراد کننده میتواند ضمن پژوهش از حکم نسبت باین موضوع اعتراض و تقاضای رسیدگی کند .

ماده ۲۱۴) هرگاه دادرس رد را قبول کرد یا خود او امتناع از رسیدگی نمود رسیدگی بشعبه دیگر همان دادگاه ارجاع و اگر شعبه دیگری نباشد بکارمند علی البدل و اگر نباشد بنزدیکترین دادگاه رجوع میشود .

فوائید

در مورد این ماده اگر شعب دادگاه متعدد باشد پرونده برای اجرای مقررات فوق نزدیک رئیس اول دادگاه فرستاده میشود والا خود دادرسی بترتیب مقرر اقدام می نماید .

ماده ۲۱۵) هرگاه دادرسی که رد خود را قبول نکرده از کارمندان دادگاه استان باشد همان شعبه دادگاه استان باید از کارمندان سایر شعب یا کارمندان علی البدل دادگاه استان تکمیل و درغیاب دادرسی که درخواست رد او شده است قرار مقتضی را بدهد .

ماده ۲۱۷) هرگاه چند نفر از کارمندان دادگاه استان رد شوند و رد را قبول ننمایند وعده باقی مانده آن دادگاه و کارمندان علی البدل برای رسیدگی کافی نباشد امر راجع بدیوان کشور میشود .

دیوان کشور در صورتیکه درخواست رد را وارد دید کار را بدادگاه دیگری که در همان درجه باشد محول میکند .

ماده ۲۲۵) مدعی میتواند فقط ضمن دادخواست راجع باصل دعوی در موارد زیر از دادگاه درخواست تأمین خاصه نماید و دادگاه مکلف بقبول آنست .

۱) دعوی مستند به سند رسمی باشد .

۲) خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد .

۳) در سایر موارد که به موجب قانون مخصوص دادگاه مکلف بقبول درخواست تأمین باشد .

ماده ۲۳۴) در صورتیکه درخواست تأمین شده باشد مدیر دفتر مکلف است پرونده را فوراً بنظر دادگاه برساند و دادگاه بدون اخطار بطرف فوراً بدلائل درخواست کننده رسیدگی نموده قرار رد یا قبول درخواست تأمین را صادر مینماید .

ماده ۲۳۵) قرار تأمین بطرف ابلاغ و مشار الیه حق دارد ظرف ده روز بقرار نامبرده اعتراض نماید و دادگاه در محاکمات عادی پس از مبادله لوائح و در محاکمات اختصاری در اولین جلسه با اعتراض رسیدگی نموده و نسبت بان تعیین تکلیف مینماید .

ماده ۲۳۶) قرار تأمین باید بمدعی علیه فوراً ابلاغ و پس از آن اجرا شود جز در مواردیکه ابلاغ فوراً ممکن نباشد و تأخیر اجراء باعث تضییع یا تفریط خواسته گردد که در اینصورت قرار تأمین اجراء و پس از آن ابلاغ میشود .

ماده ۲۷۱) هر یک از طرفین دعوی میتواند بورود شخص ثالث در دعوی ایراد کند در اینصورت دادگاه باید قبل از رسیدگی بدعوی تکلیف ایراد مذکور را معین نماید چنانچه قرار رد دعوی شخص ثالث صادر شود این قرار قطعی خواهد بود .

هرگاه بر دادگاه ثابت شود که دعوی ثالث بمنظور تبانی و یا تأخیر رسیدگی است میتواند دعوی ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده و بهر یک علیحده رسیدگی کند .

چنانچه بر دادگاه محرز شود که دعوی ثالث باتبانی یا یکی از طرفین دعوی برای اطاله رسیدگی اقامه شده در صورت محکومیت ثالث به بی حقی دادگاه مکلف است علاوه بر خسارات قانونی او را بدو برابر هزینه دادرسی بفتح دولت محکوم نماید .

قوانین

ماده ۲۷۲) رد یا ابطال دادخواست و یارد دعوی شخص ثالث مانع از ورود او در مرحله پژوهشی نیست.

ماده ۲۷۵) دادخواست جلب ثالث در دادرسیهای عادی از مدعی و مدعی علیه تا موعد آخرین لایحه که میدهند پذیرفته میشود.

ماده ۲۷۷) محکوم علیه غیابی در صورتیکه بخواهد درخواست جلب ثالث نماید باید دادخواست جلب ثالث را با دادخواست اعتراض توأماً بدفتر دادگاه بدهد و نیز معترض علیه حق دارد تا موعدی که بموجب قانون میتواند جواب بدهد دادخواست جلب ثالث تقدیم نماید.

ماده ۲۸۰) در محاکمات اختصاری در صورتیکه از موقع تقدیم دادخواست تا جلسه دادرسی که معین شده مدت کافی برای فرستادن دادخواست و رونوشت مدارک برای اطراف دعوی نباشد مدیر دفتر با اجازه دادگاه جلسه دادرسی را تغییر داده و باطراف دعوی ابلاغ می نماید.

ماده ۲۸۱) شخص ثالثی که جلب میشود مدعی علیه محسوب و تمام مقررات راجعه بمدعی علیه درباره او جاری است.

هرگاه بر دادگاه محرز شود که جلب ثالث بمنظور تبانی و با تأخیر رسیدگی است میتواند دادخواست جلب ثالث را از دادخواست اصلی تفکیک نموده بهر یک عاید رسیده گی کند. چنانچه بر دادگاه محرز شود که جلب شخص ثالث باتبانی مجلوب برای اطاله رسیدگی اقامه شده در صورت محکومیت جالب به بیعتی دادگاه مکلف است علاوه بر خسارات قانونی او را بدو برابر هزینه دادرسی بنفع دولت محکوم نماید.

ماده ۲۸۲) هرگاه شخص ثالث در موعده مقرر پاسخ نداد و یا در روز جلسه حاضر نشد طرفی که خواستار جلب شده میتواند در حین جریان دادرسی اصلی یا پس از ختم آن با همان دادخواست که داده است رسیدگی بدعوی را مستقلاً بخواهد.

ماده ۲۸۳) قرار دعوی جلب فقط با حکم راجع باصل دعوی قابل پژوهش است و در صورتی که قرار در مرحله پژوهش فسخ شود رسیدگی پس از فسخ قرار با دعوی اصلی در دادگاهی که رسیدگی پژوهشی مینماید بعمل می آید.

ماده ۲۹۱) در مورد ماده فوق اگر دادرسی بمرحله صدور حکم رسیده باشد دادگاه حکم خواهد داد.

ماده ۲۹۷) در مورد بند یک از ماده ۲۹۰ در صورت فوت یا حجر یا ممنوعیت وکیل دادگاه به موکل اطلاع میدهد تا حسب مورد خود برای دادرسی حاضر شود و یا وکیل دیگر بمحکمه معرفی کند و در صورت فوت یکی از اصحاب دعوی دادگاه بطرف دیگر اخطار مینماید که جانشین متوفی را تعیین نماید و پس از تعیین جانشین برگ های لازم بوره - وصی - ولی یا قیم در صورتیکه وارث محجور باشد ابلاغ میشود و در صورت حجر یکی از اصحاب دعوی برگهای لازم بنماینده قانونی او ابلاغ میگردد و در مورد بند ۲ ماده ۲۹ برگهای لازم بکسی که بجای شخص سابق که سمت او زائل شده معین گردیده است ابلاغ میشود.

قوانین

ماده ۳۰۴) هرگاه سند یا اطلاعات دیگری که راجع بمورد نزاع است در ادارات دولتی یا شهرداری است دادگاه به درخواست اصحاب دعوی نامه‌ای باداره مربوطه نوشته ارسال رونوشت سند یا اطلاع لازم را با ذکر موعد درخواست میکند اداره مربوطه مکلف است فوراً درخواست دادگاه را انجام دهد مگر اینکه ابراز سند منافی مصالح سیاسی کشور یا انتظامات عمومی باشد که در اینصورت اداره مزبور باید پاسخ منفی را باتوضیح بدادگاه فرستاده رونوشت آنرا برای دادستان شهرستان آن حوزه ارسال دارد در اینصورت دادستان پس از رسیدگی وزیر دادگستری را از مراتب مطلع و چنانچه وزارت دادگستری موافقت نمود جواز عدم ابراز سند محرز خواهد شد والا باید سند ارائه شود و کسیکه مسئولیت عدم ابراز سند باوجود لزوم ابراز آن متوجه او است از خدمت منفصل خواهد شد.

هرگاه تهیه رونوشت اسناد در ادارات مستلزم هزینه ای باشد بعهده هر یک از اصحاب دعوی است که بدرخواست او دادگاه سند را از ادارات خواسته است.

ماده ۳۱۱) هرگاه کسی که باید اصل سند را ارائه بدهد در روز معین بترتیب فوق سند را حاضر نکرد سند مزبور از عداد دلائل او خارج میشود و پس از تکمیل مبادله لوائح در صورتیکه تقاضاکننده ارائه اصل سند مدعی باشد دادگاه رأی مقتضی صادر میکند و چنانچه مدعی علیه باشد دادگاه در صورتیکه بتواند رأی میدهد والا دادخواست مدعی را ابطال میکند.

ماده ۳۱۴) هرگاه در روز معین اصل سند در دفتر حاضر نبود و موافق مواد فوق دادگاه مهلت داده و روز دیگری برای ارائه سند معین کرده باشد کسی که درخواست ارائه اصل سند را کرده تا دو روز پس از موعد باید پاسخ کتبی خود را بدفتر دادگاه بدهد.

ماده ۳۴۶) نسبت بدعاوی که خواسته آن دو هزار ریال یا کمتر است طرفین دعوی میتوانند عین اسناد خود را بدادگاه بدهند.

ماده ۳۷۹) ادعاء جعلیت اسناد را فقط در مرحله نخستین میتوان نمود مگر اینکه سند در مرحله پژوهشی ابراز شده باشد و یا در مرحله نخستین مدعی جعل رونوشت یا اصل سند را ندیده باشد و پس از اثبات صحت اشماب سند ادعاء جعل در همان دادگاه دیگر پذیرفته نخواهد شد.

هرگاه ادعاء جعل در حین جلسه اظهار بشود در صورت مجلس دادگاه قید و بامضاء اظهارکننده میرسد.

ماده ۳۸۰) دعوی جعل نسبت بسندی اگر ضمن مبادله لوائح باشد مدیر دفتر مکلف است پرونده را بنظر دادگاه برساند و هرگاه دادگاه مفاد سند را مؤثر در دعوی بداند دستور میدهد که بطرف مقابل ابلاغ شود و طرف مقابل در موعد مقرر قانونی باید صراحتاً پاسخ بدهد که سند را مسترد میدارد یا با استفاده از آن باقی است و در محاکمات اختصاری در صورتیکه دادگاه مفاد سند را مؤثر در دعوا بداند بدلائل جعلیت رسیدگی خواهد کرد (استرداد سند دلیل بر جعلیت آن نیست).

فوائین

ماده ۳۸۲) مدیر دفتر دلائل جعل را بطرف ابلاغ و پس از مبادله لوایح دادگاه موافق ماده ۱۲۸ اقدام مینماید.

ماده ۳۸۳) صاحب سند اصل‌سندی را که موضوع ادعاء جعلیت است باید همان وقتی که استفاده از سند را اطلاع میدهد بدفتر دادگاه بسپارد و الا دادگاه سند مذکور را از عداد دلائل طرف خارج مینماید پس از رسید بدفتر دادگاه مدیر دفتر آنرا بنظر رئیس دادگاه رسانیده و دادگاه آنرا فوراً مهر و موم مینماید.

ماده ۳۸۴) هرگاه مدعی جعل در موعد مقرر دلائل دعوی جعل را ندهد دعوی جعل بی اثر میشود و اگر طرف نسبت بدلائل جعل پاسخ ندهد بدعوی جعل رسیدگی میگردد.

ماده ۳۸۷) دادگاه در ضمن حکم راجع بماهیت دعوی باید تکلیف سندی را که نسبت بان دعوی جعل شده معین نماید اگر آنرا مجعول ندانسته باشد دستور میدهد که سند بصاحب آن رد شود در صورتی که آنرا مجعول بداند تکلیف اینکه باید تمام سند از بین برده شود و یا قسمت مجعول در روی سند ابطال گردد و یا کلماتی محو و یا تغییر داده شود تعیین نماید اجرای رأی دادگاه راجع بتکلیف سند منوط بقطعی شدن حکم دادگاه در ماهیت دعوا و گذشتن مدت فرجام یا ابرام حکم است و بتوسط دادگاهی که آخرین حکم قطعی را صادر کرده با حضور دادستان بعمل میآید.

هرگاه وجود اسناد و نوشتجات راجع بدعوی جعل در دفتر دادگاه لزومی نداشته باشد دادگاه دستور اعاده آن اسناد و نوشتجات را بصاحبان آنها از اصحاب دعوی و مطلعین میدهد.

ماده ۳۸۹) هیچیک از کارمندان دفتری حق ندارند از اسناد و نوشتجاتی که نسبت بانها دعوی جعل شده مادام که تعیین تکلیف ضمن حکم نسبت بانها نشده است رونوشت باشخاص بدهند مگر با اجازه دادگاه که در اینصورت نیز باید در حاشیه رونوشت تصریح شود که نسبت بسند دعوی جعل شده است.

متخلف از سه ماه الی یکسال از شغل دولتی منقصل خواهد شد.

ماده ۳۹۲) دادگاه بدنی پس از ارجاع امر بدادستان رسیدگی آتقسیمت ازدعوی را که مربوط بجعلیت است توقیف نموده منتظر ختم عمل جزائی میشود و رسیدگی بکار را تا اندازه‌ای که مربوط بسند متنازع فیه و ادعاء جعلیت نیست دنبال کرده و باتمام میرساند

ماده ۳۹۹) اگر برگها و نوشتجاتی که باید اساس تطبیق واقع شود در یکی از ادارات باشد باید برگهای مذکور را بمحل تطبیق بیاوردند. ادارات بقید مسئولیت مکلفند که امر دادگاه را در این باب مجری دارند مگر اینکه ابراز برگها و نوشتجات منافی مصالح سیاسی کشور یا انتظامات عمومی باشد که در اینصورت اداره مزبور باید پاسخ منفی را با توضیح بدادگاه فرستاده و رونوشت آنرا برای دادستان شهرستان آنحوزه ارسال دارد در اینصورت دادستان پس از رسیدگی وزارت دادگستری را از مراتب مطلع و چنانچه وزارت دادگستری موافقت نمود جواز عدم ابراز برگها و نوشتجات محرز خواهد

قوالین

شد و الا باید سند ابراز شود و کسی که مسئولیت عهه ابراز بر گها و نوشتجات باوجود لزوم آوردن آنها متوجه اواست از خدمت منقصل خواهد شد.

ماده ۴۰۵) در مورد انکار و دعوی جعل هر گاه صحت سند محرز شود دادگاه ضمن حکم راجع باصل دعوی انکار کننده و یا مدعی جعل را بتأدیه جریمه از پانصد تا پنج هزار ریال محکوم مینماید.

ماده ۴۳۵) هزینه تحقیقات محلی بعهده طرفی است که آنرا خواستار شده و اگر تحقیقات مذکور را طرفین خواسته باشند هزینه آن بعهده طرفین خواهد بود و چنانچه طرفی که باید هزینه را بپردازد برای اجراء قرار حاضر نشود تحقیق محلی از اعداد دلائل او خارج خواهد شد.

ماده ۴۴۵) کارشناسان را باید طرفین بتراضی معین کنند و اگر تراضی نشد یا یکی از طرفین در جلسه حاضر نباشد دادگاه از بین کارشناسان رسمی یا سایر کسانی که در موضوع اطلاعات فنی دارند بقید قرعه معین مینماید عده منتخبین باید طاق باشد.

ماده ۴۴۹) بعد از تعیین کارشناس دادگاه وقت و محل رسیدگی را معین و بکار شناس طرفین اطلاع میدهد کارشناس باید در وقت مقرر نظر خود را اظهار دارد مگر آنکه موضوع از اموری باشد که اظهار عقیده کارشناس در آنوقت میسر نباشد در اینصورت بتقاضای کارشناس دادگاه مهلت مناسب دیگری تعیین و بکارشناس و طرفین اعلام میدارد که در آنمدت عقیده خود را اظهار کنند و بهر حال اظهار نظر کارشناس باید صریح و موجه باشد هر گاه کارشناس در ظرف مدت معینه یا مهلت ثانوی عقیده خود را بدادگاه نرساند کارشناس دیگر تعیین میشود و هر یک از اصحاب دعوی که از تخلف کارشناس متضرر شده باشند میتوانند از کارشناس مطالبه خسارت نمایند.

کارشناس متخلف مستحق حق الزحمه نیست.

ماده ۴۵۶) پس از انقضاء مدتی که دادگاه برای اظهار نظر کارشناس معین میکند طرفین مکلفند ظرف یک هفته در دفتر دادگاه حاضر و با ملاحظه رأی کارشناس هر اظهاری دارند کتباً بنمایند.

تبصره - در صورتیکه کارشناسان در مهله دادگاه نباشند پس از وصول اظهار عقیده آنان بدفتر دادگاه دفتر بطرفین دعوی اخطار میکند که برای ملاحظه نظر کارشناسان بدفتر دادگاه مراجعه و هر اظهاری دارند ظرف یک هفته بنمایند.

ماده ۴۵۸ - حق الزحمه کارشناس را قبل از مباشرت او بتحقیقات در صورتیکه اصحاب دعوی معین نکرده باشند دادگاه معین مینماید و مقدار حق الزحمه با رعایت کمیت و کیفیت و وقت و ارزش زحمتی که کارشناس متحمل شده است با رعایت آئین نامه وزارت دادگستری معین میشود.

کارشناس باید نظر خود را در مهلتی که دادگاه معین نموده بدهد و در صورت تخلف علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۲۳ قانون کارشناسی مصوب ۱۳۱۷ بششماه محرومیت از کارشناسی محکوم میشود.

قوالین

ماده ۴۵۹) در صورتیکه ارجاع بکارشناس بدرخواست یکی از اصحاب دعوی شده است تأدیه حق الزحمه کارشناس بدرخواست طرفین یا بنظر دادگاه بوده تأدیه حق الزحمه بالمناصفه بمهده طرفین است و در هر صورت چنانچه حق الزحمه کارشناس قبل از مباشرت بعمل او در صندوق دادگستری توزیع نشود کارشناس مکلف است اظهار نظر خود را بنماید و دادگاه دو برابر حق الزحمه را از طرفی که باید آنرا بپردازد اخذ میکند - صدی پنجاه اضافه باضافه حق الزحمه باو پرداخت میگردد و صدی پنجاه دیگر برفع دولت بصندوق دادگستری پرداخته میشود.

ماده ۴۷۶) احکام مفصله زیر قابل پژوهش نیست :

- ۱ - احکام صادره در دعاوی که خواسته آن دوهزار ریال یا کمتر باشد.
 - ۲ - احکامی که دادگاههای شهرستان در رسیدگی پژوهشی میدهند.
 - ۳ - احکامی که بر طبق رأی یک یا چند نفر مصدق صادر شده است که اصحاب دعوی کتباً در تعیین آنان تراضی کرده و رأی آنها را قاطع دانسته اند.
 - ۴ - احکام صادر در دعاوی که اصحاب دعوی کتباً تراضی کرده اند که بدعوی آنان فقط در درجه نخستین و بدون پژوهش رسیدگی شود.
 - ۵ - احکام مستند باقرار قاطع دعوی در دادگاه.
 - ۶ - احکام مستند پسوگند.
- در مورد فقره ۳ و ۴ صورت جلسه که با مضای طرفین رسیده باشد سند کتبی محسوب است.

ماده ۴۷۸) قرارهای زیر بتنهائی قابل پژوهش است.

- ۱ - قرار عدم صلاحیت اعم از ذاتی و نسبی.
- ۲ - قرار رد یا ابطال دادخواست در مورد اعتراض بر ثبت.
- ۳ - قرار سقوط دعوی.
- ۴ - قرار عدم اهلیت یکی از اصحاب دعوی.
- ۵ - قرار رد دعوی یا عدم استماع آن.
- ۶ - قرار رد دادخواست ابطال حکم داور.
- ۷ - قرار اتیان سوگند در موردیکه دادرس بواسطه تردید در بقاء حق سوگند را لازم بداند (ماده ۱۳۳۳ قانون مدنی)

ماده ۴۸۳) هرگاه در محل اقامت پژوهشخواه مقیم ایران دادگاه شهرستان یا بخش نباشد بر مدت مقرر در قسمت اول ماده فوق برای هر هشتاد کیلومتر مسافت از محل اقامت پژوهشخواه تا نزدیکترین دادگاه یک روز علاوه میشود.

ماده ۴۸۴) ابتداء مهلت پژوهش بطریق زیر معین میشود.

- ۱ - نسبت باحکام حضوری از تاریخ ابلاغ و نسبت باحکام غیابی از تاریخ انقضای مدت اعتراض.

۲ - نسبت بقرارها از تاریخ ابلاغ .

ماده ۴۸۸) در صورتیکه دادخواست پژوهشی بعد از انقضای مهلت داده شده باشد مدیر دفتر دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است قرار رد آن را صادر مینماید و این قرار در ظرف ده روز فقط قابل شکایت در همان دادگاه است قراریکه از دادگاه صادر میشود قابل فرجام نخواهد بود .

ماده ۴۸۹) رسیدگی پژوهشی به تقدیم دادخواست میشود و این دادخواست را میتوان مستقیماً بدادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی یا دادگاهی که حکم یا قرار داده است تقدیم کرد و یا بدادگاه استان و یا بدادگاه شهرستان و یا دادگاه بخش محل اقامت پژوهشخواه و یا نزدیکترین دادگاه بمحل اقامت او .

ماده ۴۹۶) هرگاه دادخواست پژوهشی که نکات مذکور در بند ۲ و ۳ و ۶ و ماده ۴۹۱ و ماده ۴۹۲ و ماده ۴۹۴ در آن رعایت نشده بجزریان نیفتاده و مدیر دفتر دادگاهی که دادخواست بانجا داده شده ظرف دوروز از تاریخ وصول دادخواست نواقص را بطور تفصیل بدادخواست دهنده کتباً اطلاع داده و از روز ابلاغ پنج روز بارعایت مدت مسافت باو مهلت میدهد که نواقص را رفع کند و اگر محتاج بتجدید دادخواست باشد آنرا تجدید نماید و هرگاه در ظرف اینمدت دادخواست تکمیل یا تجدید نشده بموجب قرار دفتر دادگاهی که مرجع شکایت پژوهشی است رد خواهد شد این قرار به پژوهشخواه ابلاغ میشود و مشارالیه میتواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بهمان دادگاه شکایت نماید رأی دادگاه قابل فرجام نمیشد .

ماده ۴۹۷) اگر دادخواست مستقیماً بدادگاه مرجع شکایت پژوهش داده شود مدیر دفتر دادگاه در ظرف ۲ روز از تاریخ وصول دادخواست و در صورتیکه دادخواست ناقص باشد از تاریخ رفع نواقص یکنسخه از آنرا باپیوستها برای ابلاغ ببژوهشخوانده بماسور ابلاغ میدهد پژوهشخوانده باید در ظرف ده روز پس از وصول دادخواست اظهارات خود را در ۲ نسخه نوشته بضمیمه رونوشت مصدق کلیه اسناد و دلایل خود بدفتر دادگاه تسلیم نماید . مدیر دفتر یک نسخه از پاسخ پژوهشخوانده را با پیوستهای آن برای پژوهشخواه میفرستد که در ظرف ده روز پاسخ بدهد و پس از وصول پاسخ یا انقضای مدت هریک از این پاسخها مدیر دفتر پرونده را بدادگاه میفرستد دادگاه در صورتی که محتاج بتوضیحی از طرفین نباشد فوراً رأی میدهد و اینرأی حضوری محسوب است و چنانچه محتاج بتوضیح باشد موارد توضیح را در صورت مجلس تعیین و طرفین را برای رسیدگی و دادن توضیح احضار میکند و در جلسه فقط با اخذ توضیح از کسی که باید توضیح دهد محاکمه را ختم و رأی صادر مینماید . عدم حضور طرفین یا یکی از آنها موجب تأخیر محاکمه نبوده و در هر حال دادگاه مکلف است حکم قضیه را صادر و این حکم حضوری محسوب خواهد شد .

ماده ۴۹۹) در غیر مورد ماده قبل هرگاه دادخواست پژوهشی بدفتر دادگاه

قوانین

صادر کننده حکم یا دادگاه محل اقامت پژوهشخواه یا دادگاه نزدیکتر محل اقامت او داده شده باشد مدیر دفتر آن دادگاه موافق ماده ۹۷ اقدام نموده و پس از اتمام مبادله لوایح و یا عدم وصول پاسخ از ناحیه یکی از طرفین در مهلت مقرر در اولین پست پرونده را بدادگاه مرجع شکایت پژوهشی فرستاده مدیر دفتر دادگاه مرجع پژوهش پرونده کار را بدادگاه میفرستد دادگاه پس از وصول پرونده مانند حکم مذکور در ماده ۹۷ عمل میکند. ماده ۵۰۱) پژوهش از حکم مانع اجرای حکم است مگر اینکه قرار اجراء موقت حکم صادر شده باشد.

ماده ۵۰۳) هرگاه یکی از اصحاب دعوی از حکم نخستین درخواست پژوهش نموده باشد طرف دیگر فقط میتواند از همان حکم نسبت بمحکومیت خود یا جعتی که از آن ناراضی است ضمن پاسخ بدادخواست پژوهشی درخواست پژوهش نماید.

ماده ۵۰۷) هیچیک از شرایط مذکور در ماده ۹۱ تا ماده در پژوهش تبعی جاری نیست.

ماده ۵۱۷) در سواری که دادگاه تعیین جلسه مینماید پس از اعلام ختم دادرسی سرگام بتواند فوراً رأی میدهد و الامتھی در ظرف یک هفته رأی قضیه را صادر و بطرفین ابلاغ میکند.

ماده ۵۱۹) احکامی که در رسیدگی پژوهشی صادر میشود قطعی است.

ماده ۵۲۱) احکام زیر قابل رسیدگی فرجامی است :

۱) احکام دادگاههای استان.

۲) احکامی که دادگاههای شهرستان در رسیدگی پژوهشی میدهند.

۳) احکام قابل پژوهش که از دادگاههای شهرستان حضوراً یا غیاباً صادر و بواسطه انقضاء مدت اعتراض و پژوهش قطعی شده اند.

ماده ۵۲۲) احکام زیر قابل رسیدگی فرجامی نیست :

۱) احکام و قرارهای صادره در دعاوی که خواسته آن ده هزار ریال یا کمتر

است و همچنین احکام و قرارهاییکه در ضمن رسیدگی باین دعاوی یا بعد از صدور حکم نسبت بمتفرعات دعوی مانند خسارت و اعسار و غیره صادر میشود.

۲) حکم مستند بقرار قاطع دعوی در دادگاه.

۳) حکم مستند بسوگند.

۴) حکم مستند برای یک یا چند نفر مصدق که طرفین کتباً در انتخاب آنان تراضی کرده و رأی آنها را قاطع دعوی قرار داده باشند.

۵) در صورتیکه طرفین کتباً حق شکایت فرجامی خود را ساقط کرده باشند.

ماده ۵۲۴) قرارهای زیر بتنهائی قابل فرجام است.

۱) قرار عدم صلاحیت اعم از ذاتی و نسبی.

۲) قرار رد یا ابطال دادخواست در مورد اعتراض بر ثبت.

قوانین

- ۳) قرار سقوط دعوی .
- ۴) قرار عدم اهلیت یکی از اصحاب دعوی .
- ۵) قرار رد دعوی یا عدم استماع آن .
- ۶) قرار رد درخواست ابطال حکم داور .
- ۷) قرار اتیان سوگند در موردی که دادرس بواسطه تردید در بقاء حق سوگندرا لازم بداند. (ماده ۱۳۳۳ قانون مدنی).

ماده ۵۲۵) قرارهای مذکور در فتره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ ماده فوق در صورتی قابل رسیدگی فرجاسی است که در مرحله پژوهش صادر شده باشد خواه مستقلاً و خواه در پیرو قراری که در مرحله نخستین صادر شده است .

ماده ۵۲۶) ابتداء مدت فرجام از قرار زیر است :

- الف - برای احکام و قرارهای دادگاه های استان از روز ابلاغ .
- ب - برای احکام و قرارهای دادگاه های شهرستان بدین قرار :
- ۱) در صورتیکه حکم یا قرار از دادگاه شهرستان پس از رسیدگی پژوهشی صادر شده باشد از روز ابلاغ .

۲) اگر حکم حضوری با غیابی قابل پژوهش بوده و درخواست پژوهش نشده باشد از روز انقضاء مدت پژوهش .

ماده ۵۳۰) فرجام خواهی بتقدیم دادخواست میشود این دادخواست رامیتوان مستقیماً بدیوان کشور یا دادگاهی که حکم یا قرار را داده است تقدیم کرد و باید دادگاه استان و یا دادگاه شهرستان و دادگاه بخش محل اقامت فرجام خواه و یا بنزدیکترین دادگاه بمحل اقامت او .

مدیر دفتر دادگاه که دادخواست فرجاسی بانجام داده میشود باید بلافاصله دادخواست را در دفتر ثبت و رسیدی مشتمل بر نام فرجام خواه و طرف او و تاریخ تسلیم (از روز و ماه سال) و ذکر شماره ثبت بتقدیم کننده دادخواست، بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست تاریخ تسلیم را قید کند این تاریخ ابتدای دعوای فرجاسی محسوب است .

ماده ۵۳۱) در دادخواست باید تاریخ روز و ماه و سال و نام و نام خانوادگی و مشخصات و محل اقامت اصحاب دعوی و حکم یا قراری که نسبت بان درخواست رسیدگی فرجاسی میشود و دادگاه صادر کننده حکم یا قرار و تاریخ آن صریحاً قید شود .

ماده ۵۳۳) دادخواست و برگهای پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت متعدد بودن طرف بعده آنها علاوه یک نسخه باشد باستثناء وکالت نامه که فقط به نسخه اول ضمیمه میشود .

ماده ۵۳۴) دادخواستی که موافق دو ماه فوق نبوده و یا مشخصات و محل اقامت اصحاب دعوا در آن صریحاً قید نشده و یا هزینه دادرسی آن داده نشده باشد بجزریان نیفتاده و مدیر دفتر دادگاه که دادخواست بانجام داده شده در ظرف دو روز از تاریخ رسید

قوانین

دادخواست نواقص آنرا بطور تفصیل بدادخواست دهنده کتباً اطلاع داده و از روز ابلاغ پنجروز بارعایت مدت مسافت باومهلت میدهد که نواقص را رفع کند و اگر محتاج بتجدید باشد تجدید نماید در صورتیکه دادخواست در این مدت تکمیل یا تجدید نشود بموجب قراردادگاهی که دادخواست فرجامی بآن داده شده رد میشود و در صورتیکه دادخواست بدقتر دیوان کشور داده شده باشد مدیر دفتر دیوان نامبرده آن را رد مینماید.

ماده ۵۳۷) عبارت زیر بآخر اینماده اضافه میشود.

چنانچه مدیر دفتر یا دادگاه تخلف کرده و دادخواست را رد نکرده باشد خود دیوان کشور آنرا رد مینماید.

ماده ۵۴۴) فرجام خوانده میتواند فقط درضمن پاسخی که بدادخواست فرجامی میدهد ازحکمی که مورد شکایت فرجامی است نسبت بجهتی که آنرا بضرر خود ومخالف قانون میداند تبعاً درخواست رسیدگی فرجامی نماید در این صورت لایحه فرجام تبعی بطرف ابلاغ میشود که در ظرف ده روز با رعایت مسافت پاسخ بدهد هرچند مدت برای درخواست فرجام نسبت به او منقضی شده باشد.

ماده ۵۴۷) هیچیک از شرایط مذکور در ماده ۵۳۱ و ۵۳۲ در فرجام تبعی جاری نیست.

ماده ۵۵۰) رئیس هر شعبه موضوع دادخواست فرجامی را بنوبت یکی از کارمندان برای تهیه گزارش ارجاع مینماید و کارمند نامبرده منتهی در ظرف یک هفته باید گزارش خود را بدهد و در صورتیکه مدت مزبور برای گزارش بواسطه کیفیت کار کافی نباشد باید باذکر جهت از رئیس شعبه تقاضای تمدید کند.

ماده ۵۵۱) گزارش کارمند ممیز باید جامع یعنی حاوی جریان ماهیت دعوی و بررسی کامل در اطراف اعتراضات فرجام خواه و جهات قانونی مورد رسیدگی فرجامی با استدلال باشد.

کارمند ممیز مکلف است ضمن مراجعه پرونده برای تهیه گزارش چنانچه از هر یک از قضات یا دادستانها یا دادیاران یا بازپرسها که در آن پرونده مداخله داشته اند تخلف از مواد قانون و یا اعمال غرض و یا بی اطلاعاتی از مبانی قضائی مشاهده نمود آنرا مشروحاً وبا استدلال در گزارش خود تذکر دهد و همچنین نماینده دادستان دیوان کشور در آن شعبه نیز مکلف است چنانچه تخلفاتی بشرح فوق در پرونده مشاهده نمود که کارمند ممیز آنرا در گزارش خود قید نکرده بود آنرا به مشارالیه تذکر دهد و در هر دو صورت هرگاه بین کارمند ممیز و نماینده دادستان موافقت در تعقیب حاصل شد رونوشتی از گزارش مزبور رأساً بدادگاه عالی انتظامی فرستاده میشود که طبق مقررات مورد رسیدگی قرار گیرد.

تخلف از این ماده مستلزم تعقیب انتظامی ومجازات قصور در انجام وظیفه است.

ماده ۵۵۲) گزارش کارمند ممیز در جلسه رسیدگی با حضور دادستان یا نماینده او

فوائید

قرائت و پس از قرار قبول داخواست شروع برسیدگی فرجامی دراصل دعوی میشود و نظر داستان یا نماینده او نسبت بگزارش واصل دعوی استماع میگردد .

ماده ۵۵۸) مقصود از رسیدگی فرجامی تشخیص اینست که حکم یا قرار مورد درخواست فرجامی موافق قانون صادر شده یا نه در صورت اول حکم یا قرار ابرام والا با ذکر تمام جهات قانونی مؤثر در نقض حکم یا قرار فرجام خواسته نقض میشود . اگر موضوع مورد نقض مجدداً در دیوان کشور مطرح شود فقط اقدامات دادگاه مرجوع الیه بعد از نقض مورد رسیدگی و نظر دیوان کشور واقع خواهد شد .

ماده ۵۶۹) سهو و اشتباه مذکور در ماده ۱۸۹ موجب نقض قرار یا حکم نخواهد شد ولی ذینفع میتواند در صورتی که حکم یا قرار قبلاً تصحیح نشده باشد از دادگاهی که حکم یا قرار را داده است تصحیح آنرا بخواهد و اگر ایراد مربوط بمتفرعات حکم و یا قسمتی از مورد حکم باشد همان قسمت نقض و بقیه ابرام میگردد .

هر گاه سهو یا اشتباه مذکور در قرار یا حکم فرجامی باشد تصحیح آن بادیوان کشور خواهد بود .

ماده ۵۷۱) دیوان کشور پس از نقض حکم یا قرار رسیدگی در ماهیت دعوی را بدادگاهی که مطابق مواد زیر معین میشود ارجاع مینماید .

بعد از نقض فرجامی دادگاهی که رسیدگی باو محول شده بالحاظ رأی دیوان کشور و مندرجات پرونده اگر اقدام دیگری یا توضیحی از طرفین دعوی لازم نداند بدون تعیین جلسه رسیدگی کرده حکم میدهد و اگر اقدام دیگری را لازم دانست تعیین تکلیف مینماید و چنانچه محتاج بتوضیحی باشد با تعیین موارد توضیح و اخطار آن بطرفین دعوی تعیین جلسه مینماید .

ماده ۵۷۲) در احکام دیوان کشور نام و مشخصات و محل اقامت طرفین حکم یا قرار که از آن فرجام خواسته شده و خلاصه اعتراضات و دلایل بیکه فرجام خواه برای نقض حکم یا قرار اظهار کرده قید و اسبابیکه موجب نقض یا ابرام حکم یا قرار میشود بطور روشن کامل ذکر میگردد .

ماده ۵۹۱) در صورت وجود یکی از جهات اعاده دادرسی نسبت باحکام زیر ممکن است درخواست اعاده دادرسی نمود .

۱) حکم پژوهشی .

۲) حکم حضوری مرحله نخستین که بطور قطعی صادر شده است .

۳) حکم غیابی مرحله نخستین که مدت اعتراض آن منقضی شده یا غیر قابل پژوهش صادر شده است .

ماده ۶۱۵) هر گاه اقامتگاه اصحاب دعوا در خارج از مقر دادگاه باشد بمرمواد قانونی نسبت بکسانی که اقامتگاه آنها در داخله کشور است از قرار هر هشتاد کیلو متر بیک روز علاوه میشود .

قوالین

کسر از هشتاد کیلومتر در صورتیکه کمتر از چهل کیلومتر باشد به حساب نمیآید و اگر چهل کیلومتر یا زیادتر باشد یک روز برای آن منظور میشود و اگر اقامت گاه اصحاب دعوی در خارج باشد موعد دوماه و برای کشورهای دور مثل امریکا - خاور دور - اقیانوسیه سه ماه است .

ماوه ۶۱۸) دادن مهلت در مواعیدی که از طرف دادگاه تعیین میشود فقط یک دفعه جایز است مگر در صورتیکه درخواست کننده مهلت ثابت نماید که عدم انجام کاری که دادگاه خواسته است بواسطه حدوث موانعی بوده که رفع آن موانع در حیطه اقتدار درخواست کننده نبوده است .

تبصره) موضوع مواعد شامل تجدید جلسات نیست .

ماده ۶۴۵) مکرر - کلیه کارمندان قضائی دادگستری در دعوی مطروحه در دادگستری نمیتوانند داوری نمایند . هر چند بتراضی طرفین دعوی باشد .

ماده ۴۷) قانون تسریع محاکمات مصوب سوم و دوازدهم تیر ماه ۱۳۰۹

باین شرح اصلاح میشود :

دیوانعالی کشور بقدر لزوم دارای شعب خواهد بود رئیس شعبه اول ریاست کل دیوانکشور را خواهد داشت هر شعبه دیوان کشور مرکب است از یک نفر رئیس و سه مستشار که یک نفر از آنها بنوبت بتعیین رئیس شعبه کارمند ممیز می شود .
در موقع مشاوره و رأی سه نفر شرکت خواهند نمود که یکی از آنها کارمند ممیز (در صورتی که حاضر باشد) خواهد بود .

ماده ۷۸۹) شق ۱۷ باین ماده اضافه میشود .

شق ۱۰ ماده ۱۳ مواد ۵۸ - ۱۱۶ - ۱۲۴ - ۱۳۲ - ۱۳۸ شق ۵ ماده ۱۳۹ - ۱۴۰

۱۴۲ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۲ - ۱۸۵ - ۱۸۷ - ۱۹۸ - ۲۰۵

۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۱۳ - ۲۲۴ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ شق ۱ ماده ۲۹۰

۲۹۴ - ۲۹۶ محبت سوم درخواست سازش از ماده ۳۳۵ تا ماده ۳۴۱ - ۳۴۸ - ۳۴۹ -

۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۸ - ۴۰۴ - ۵۰۰ - ۵۰۶ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - تبصره ماده ۵۲۲ از قانون

آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۵ شهریور ۳۱۸ و ماده ۲۷ از قانون وکالت مصوب ۲۵

بهمن ۳۱۵ و مواد الحاقی بقانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۹ دیماه ۳۱۹ نسخ میشوند .

برطبق قانون اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی اصلاح قانون

آئین دادرسی مدنی مشتمل بر ۱۳۶ ماده و سه تبصره است تصویب میشود .

بتاریخ ۱۲ دیماه ۱۳۳۱

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۹۱ - تاریخ انتشار بیست و دوم دیماه ۱۳۳۱ . شماره ۳۱۹۱۲ / ۱۸ / ۳۱/۱۰

لایحه قانونی شورای عالی فرهنگ

برای نظارت دوکلیه شئون فرهنگی کشور و اصلاح و توسعه فرهنگ و تعمیم

قوانین

آموزش و پرورش صحیح و ترویج معارف اسلامی و تعظیم مفاخر ملی و اهتمام در تهذیب اخلاق عمومی و مراقبت در اجرای قوانین فرهنگی شورایی عالی فرهنگ بطریق ذیل تشکیل میگردد .

فصل اول - سازمان .

ماده ۱) شورایی عالی فرهنگ مرکب از شانزده نفر عضو بشرح زیر است .

۱) وزیر فرهنگ .

۲) رئیس دانشگاه تهران .

۳) مدیرکل فنی وزارت فرهنگ .

۴) رئیس کمیسیون فرهنگ مجلس .

۵) یک نفر مجتهد جامع الشرایط و انتصاب یکی از مراجع تقلید مقیم ایران .

۶) سه نفر از استادان دانشگاه بانتخاب شورای دانشگاه .

۷) یک نفر طیب عالی مقام بانتخاب اطباء تهران .

۸) یک نفر مهندس عالی مقام بانتخاب مهندسين تهران .

۹) یک نفر حقوق دان عالی مقام از بین قضاة و وکلای دادگستری بانتخاب

هیئت عمومی دیوان کشور .

۱۰) سه نفر از دبیران پایتخت به انتخاب نمایندگان دبیران مشروط بر آنکه لااقل

۴۰ سال عمر و ۱۵ سال سابقه تدریس داشته باشند .

۱۱) دوفقر از آموزگاران پایتخت بانتخاب نمایندگان آموزگاران مشروط بر آنکه

لااقل چهل سال عمر و پانزده سال سابقه تدریس داشته باشند .

عضویت شورای عالی فرهنگ اقتضای است و درباره هریک از اعضای شوری

فرمان همایونی صادر خواهد شد .

تبصره ۱) دبیر یا آموزگاری که در این قانون ذکر میشود اعم از دبیر و آموزگار

شاغل تدریس یا رئیس دبیرستان یا دبستان است .

تبصره ۲) وزیر فرهنگ میتواند از رؤسای ارشد وزارت فرهنگ در موقع طرح

مسائل مربوط بوظایف آنها برای مشاوره و تبادل نظر دعوت بعمل آورد .

تبصره ۳) با پیشنهاد وزیر فرهنگ و تصویب شوری ممکن است بعضی از

خاورشناسان یا استادان تعلیم و تربیت خارجی که تبلیغات و تألیفاتی درباره معارف ایران دارند

بعنوان عضو اقتضای شورایی عالی فرهنگ ایران انتخاب شوند .

تبصره ۴) هریک از دبیرستان ها و دبستان های پایتخت یکنفر نماینده بانتخاب

شورای دبیران یا شورای آموزگاران خود که رؤساء نیز جزو آنها خواهند بود انتخاب

میکنند و بعد نمایندگان هریک از دو دسته در جلسه ای که تحت نظر وزیر فرهنگ تشکیل

خواهد شد برای مخفی از بین واجدین شرایط که صورت آنها قبلاً از طرف کارگزینی

تنظیم شده باشد اعضاء ۱۰ و ۱۱ مذکور در ماده اول را انتخاب خواهند کرد . در مورد

قوانین

نمایندگان اطباء و مهندسين ایرانی مقیم تهران هر کدام که دارای مجمع رسمی واحدی باشند به آنجا مراجعه خواهد شد والا وزارت فرهنگ از عده ای که مقتضی بداند بمنظور انتخاب نماینده دعوت خواهد نمود .

ماده ۲) اعضای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ مذکور در ماده اول که بسبب شعل خود عضو شوری میشود پس از برکناری از کار تا تعیین جانشین جدید در جلسات شوری شرکت مینمایند . سایر اعضای شوری برای مدت شش سال منصوب میگرددند و در پایان دومین و چهارمین سال اجراء این لایحه قانونی یک ثلث یا نزدیکترین عدد به یک ثلث از اعضاء بحکم قرعه خارج وجانشین آنان عده از اعضائی که دوره شش ساله آنها بسر رسیده باشد تجدید انتخاب بعمل خواهد آمد .

تبصره) در صورتی که رئیس دانشگاه و رئیس کمیسیون فرهنگ مجلس از شرکت در جلسات خودداری داشته باشند یا استعفاء کنند شورای فرهنگ از شورای دانشگاه و کمیسیون فرهنگ مجلس درخواست میکند که نماینده دیگری انتخاب ومعرفی نماید . ماده ۳) جلسات شورای عالی فرهنگ لااقل هر دو هفته یکبار بدعوت وزیر فرهنگ تشکیل خواهد شد و رأی شوری با اکثریت تام عده حاضر در مرکز قاطع خواهد بود .

حضور مرتب در جلسات و شرکت در خدمات شوری وظیفه اداری و ملی هر یک از اعضاء می باشد .

هر یک از اعضاء انتخابی که سه جلسه متوالی یا در عرض ۱۲ ماه ده جلسه متناوب بدون اجازه قبلی شوری یا عذر موجه از حضور در شوری خودداری کند باید مستعفی شناخته شود و نسبت بانخاب جانشین او برای مدت باتیمانده دوره اقدام بعمل خواهد آمد . تبصره) هر موقع که پنج نفر از اعضاء شوری تشکیل شوری را کتباً تقاضا کنند شوری دعوت میشود .

ماده ۴) ریاست شورای عالی فرهنگ با وزیر فرهنگ وقت است و در غیاب وزیر بانایب رئیس می باشد . انتخاب نایب رئیس بعهد خود شوراست .

ماده ۵) شورای عالی فرهنگ دارای دبیرخانه ای خواهد بود که یک نفر از فرهنگیان شایسته و با سابقه به پیشنهاد وزیر فرهنگ از طرف شوری برای مخفی مدت سه سال بریاست آن انتخاب می گردد .

رئیس دبیرخانه شورای عالی فرهنگ عهده دار تنظیم اسور دفتری شورا است و کارکنان دبیرخانه بنا بقاضای رئیس دبیرخانه و سواقت وزیر فرهنگ از میان کارمندان موظف وزارتخانه انتخاب می شوند .

ماده ۶) شورای عالی فرهنگ برای مطالعات و تحقیقات فرهنگی و رسیدگی مقدماتی در امور مربوط بشوری هیئتی را بنام هیئت عالی مطالعات مرکب از ۵ نفر ازین خود یا از خارج انتخاب می نماید . هیئت مذکور طرحها ولوایح فرهنگی را مطالعه نموده و نظر خود را بشورای عالی فرهنگ برای اتخاذ تصمیم گزارش می دهد .

قوانین

هیئت عالی مطالعات میتواند برای رسیدگی بامور مخصوص هیئت‌های دیگری هم از اشخاص ذی فن بنام هیئت فنی تشکیل داده و از نظریات آنان در تهیه گزارش خود استفاده نماید .

تعیین عده و انتخاب اعضای هیئتهای فنی به پیشنهاد هیئت عالی مطالعات و تصویب شورای عالی فرهنگ خواهد بود .

تبصره - باعضای هیئت عالی مطالعات و همچنین یکسانی که برای عضویت هیئتهای فنی دعوت میشوند در ازاء خدماتی که با نظر شورای عالی فرهنگ انجام میدهند طبق آئین‌نامه مخصوص که بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید حق الزحمه تأدیه خواهد شد .
ماده ۷ - آئین‌نامه و مقررات مربوط بامور داخلی شوری و هیئت عالی مطالعات و هیئتهای فنی و دبیرخانه شوری باتصویب شوری بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

فصل دوم - وظایف

ماده ۸ (وظایف شورای عالی فرهنگ بقرار ذیل است :

- ۱) تصویب اساتید و اساتید و برنامه‌های تحصیلی اعم از مدارس دولتی و اختصاصی و ملی و تصویب آئین‌نامه‌ها و طرح‌هایی که برای اصلاح تعلیمات تهیه میشود
- ۲) تصویب سازمان وزارت فرهنگ
- ۳) تصویب اجازه تأسیس هرگونه کودکستان و آموزشگاه تا حدود متوسطه و یا الغاء اجازه‌نامه تأسیس آنها و تعیین شرایط یکسانی که این آموزشگاهها را اداره یادر آنها تدریس بینمایند .
- همچنین تطبیق ارزش تحصیلی گواهی‌نامه‌ها و دانشنامه‌های آنها با گواهی‌نامه‌ها و دانشنامه‌هایی که از طرف وزارت فرهنگ رسماً شناخته شده است .
- ۴) تطبیق کتبی که باید در مدارس تدریس شود با برنامه رسمی و اجازه تدریس آنها در مدارس و انتخاب کسانی که تألیف یا ترجمه و تصحیح کتب علمی و فنی از طرف وزارت فرهنگ بانان واگذار میشود و اظهار نظر در مواردی که تألیف یا ترجمه‌ای از طرف وزارت فرهنگ بمسابقه گذارده میشود .
- ۵) اظهار نظر در شایستگی علمی متخصصین خارجی که برای خدمت در وزارت فرهنگ یا امور آموزشی در نظر گرفته میشوند و تشخیص لزوم استخدام آنها قبل از پیشنهاد وزارت فرهنگ بمجلس شورای ملی و تأیید شایستگی و اوستگان فرهنگی ایران و نمایندگانی که باید از طرف وزارت فرهنگ به سازمانها و کنگره‌ها و کنفرانس‌های علمی و بین‌المللی اعزام شوند و همچنین تعیین شرایط اعزام معلمین و محصلینی که از طرف دولت برای انجام مطالعات و تکمیل تحصیلات یا بتقاضای کشورهای بیگانه بخارج فرستاده میشوند و تصویب شرایط اعطای امتیازات خاص (مانند ارز دولتی) به محصلین آزاد .
- ۶) رسیدگی بمدارک تحصیلی اشخاصی که در خارج تحصیل کرده‌اند و تطبیق ارزش آنها بمدارک داخلی طبق آئین‌نامه مخصوص تا حدود متوسطه و یا معادل متوسطه .

قوانین

- ۷) تشویق و تکریم دانشمندان و متخصصین کشور و جستجو و پیشنهاد تدابیر علمی برای تسهیل خدمت و توفیق صاحبان استعداد در تحقیقات و تبعات مفید .
- ۸) اجازه تأسیس انجمن های فرهنگی و تصویب اسامنامه های آنها در مورد انجمن های روابط فرهنگی ایران با کشورهای بیگانه جلب نظر و موافقت قبلی وزارت امور خارجه و تصویب هیئت دولت ضروری است .
- ۹) اتخاذ تصمیم نهائی درباره اعطای نشانها و مدالهای فرهنگی که از طرف وزارت فرهنگ پیشنهاد میشود مطابق آئین نامه مخصوص .
- ۱۰) اظهار نظر و اشتراك مساعی در هر امر فرهنگی دیگر که وزارت فرهنگ ارجاع نماید .
- تبصره ۱) تعیین ارزش دانشنامه های مربوط بتحصیلات فوق متوسط باشورای دانشگاه تهران است .
- تبصره ۲) شورای عالی فرهنگ نقطه مدارکی را که از آموزشگاهای دولتی عمومی یا اختصاصی و ملی مذکور در بند ۳ و بند ۶ صادر میشود میتواند درشوری مطرح و ارزش آنرا معین نماید .
- تبصره ۳) رأی شورای عالی فرهنگ جز در مورد بندهای ۷ و ۱۰ قطعی و لازم الاجرا میباشد .

فصل سوم - مواد مشرفه

- ماده ۹) وزارت فرهنگ میتواند پس از جلب موافقت شورای عالی فرهنگ شعب شورا را در مراکز مهم استانها و شهرستانها برطبق آئین نامه مخصوصی که به تصویب شورا رسیده باشد تأسیس کند .
- ۱۰) پس از تصویب و ابلاغ این لایحه قانونی شورای عالی سابق فرهنگ منحل میباشد .
- ماده ۱۱) وزارت فرهنگ مأمور اجرای این لایحه قانونی است .
- ماده ۱۲) در دوره اختیارات اعضای انتخابی شوری مندرج در قسمت ۵ تا ۱۱ ماده اول این لایحه قانونی استثنائاً برطبق پیشنهاد وزیر فرهنگ و تصویب هیئت وزیران تعیین و انتخاب خواهند شد .
- بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی شورای عالی فرهنگ مشتمل بر ۱۲ ماده و (۱۰) تبصره تصویب میشود .
- بتاریخ ۱۸ دیماه ۱۳۳۱
نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

قوانین

۹۲ - تاریخ انتشار بیست و دوم دیماه ۱۳۳۲ شماره ۳۱۹۳۰ ۳۱/۱۰/۲۰

لایحه قانونی راجع بادامه عمل کمیسیونهای حل اختلافات مالیاتی

ماده واحده - بوزارت دارائی اجازه داده میشود که لایحه قانونی مصوب ۳۱/۵/۳۰ راجع بتسویه مالیاتهای معوقه را که مدت آن تالیستم بهمن ماه ۳۱ محدود شده تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۲ اجراء نمایند .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی راجع بادامه عمل کمیسیونهای حل اختلافات مالیاتی مشتمل بر ماده واحده تصویب میشود .

بتاریخ ۲۰ دیماه ۱۳۳۱

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۹۳ - تاریخ انتشار بیست و سوم دیماه ۱۳۳۱ شماره ۳۱۹۱۴ ۳۱/۱۰/۱۸

لایحه قانونی مربوط به مقررات تحصیلی و استخدام بهداران

ماده ۱) داوطلبان ورود بآموزشگاه های بهداری متعهد خواهند شد که پس از فراغ از تحصیل مدت دوازده سال در دهستانها و بخشهاییکه وزارت بهداری معین خواهد کرد بخدمت پردازند این مدت درسورد بهدارانیکه برطبق ماده ۵ این لایحه قانونی بگذرانیدن دوره دانشکده پزشکی موفق شوند در صورتیکه با گواهینامه دوره دوم متوسط بآموزشگاه پذیرفته شده باشند شش سال و هر گاه با گواهینامه دوره اول وارد آموزشگاه شده باشند بهشت سال تقلیل می یابد بهدارانی که قبل از شش سال خدمت بدانشکده پزشکی وارد شده باشند موظفند پس از فراغ از تحصیل در دانشکده کسری شش سال خدمت مورد تعهد خود را در بخشها و دهستانهاییکه وزارت بهداری تعیین میکند انجام دهند .

ماده ۲) وزارت بهداری میتواند بهداران را با رعایت شرایط زیر :

اول - از بهدارانیکه دارای گواهی نامه شش ساله دبیرستان باشند با حد اقل سه سال تمام خدمت بهداری در بخشها و دهستانها .

دوم - از بهدارانی که دارای گواهی نامه پنج ساله دبیرستان باشند با حد اقل پنج سال تمام خدمت بهداری در بخش ها و دهستانها .

سوم - از بهدارانی که دارای گواهینامه دوره اول دبیرستان باشند با حد اقل هفت سال تمام خدمت بهداری در بخش ها و دهستانها .

برای تکمیل تحصیلات بدانشکده های پزشکی معرفی کند . دانشکده های پزشکی این قبیل اشخاص را بسال چهارم خواهند پذیرفت .

تبصره - تعداد بهدارانیکه طبق شق اول این ماده بدانشکده های پزشکی معرفی خواهد شد تا پایان سال تحصیلی ۳۴ - ۱۳۳۵ هر سال معادل نصف فارغ التحصیلان

آموزشگاههای عالی بهداری در همان سال میباشد و از سال ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶ بعد با توافق دانشکده پزشکی بر تعداد آنها افزوده خواهد شد .

قوانین

ماده ۳) بدانشجویان آموزشگاههای بهداشتی در مدت تحصیل در آموزشگاه در هرماه معادل حقوق پایه ۲ پزشکیاری کمک هزینه تحصیل از طرف وزارت بهداشتی داده میشود و بهداران مشمول ماده ۴ در صورتیکه بخواهند در دوره تحصیل در دانشکده های پزشکی هم از کمک هزینه تحصیلی مذکور استفاده کنند باید تعهد نمایند که بعد از اتمام تحصیل در دانشکده معادل سنواتی که باین ترتیب در دانشکده پزشکی کمک هزینه تحصیلی دریافت میدارند علاوه مدتیکه قبلاً تعهد خدمت داشته اند در دهستانها و بخشهاییکه وزارت بهداشتی معین خواهد کرد انجام وظیفه کنند .

تبصره - مدت تحصیل بهداران در دانشکده های پزشکی در صورتی که از مآخذ آخرین حقوق دریافتی قبل از ورود به دانشکده کسور بازنشستگی پیردازند از حیث مقررات مربوط بپازنشستگی جزء خدمت آنان محسوب خواهد شد .

ماده ۴) بهداران پس از فراغ از تحصیل در دانشکده پزشکی با پایه یک پزشکیکی بخدمت پذیرفته خواهد شد و اعطای پایه پزشکیکی باین دسته محتاج بگذراندن پایان نامه نخواهد بود .

تبصره ۱) دانشنامه دکتری و اجازه نامه طبابت آنان پس از پایان خدمت مورد تعهد در وزارت بهداشتی و گذراندن پایان نامه از طرف دانشگاه و وزارت فرهنگ اعطاء خواهد شد .

تبصره ۲) در صورتیکه حقوق پایه پزشکیکی از این قبیل اشخاص از آخرین حقوق دریافتی در موقع ورود بدانشکده کمتر باشد مابه التفاوت از اعتبارات عمومی بودجه از محل صرفه جوئی وزارت بهداشتی بعنوان تفاوت حقوق دریافتی آنان پرداخت خواهد شد تا مندرجاً در نتیجه نیل بترفع مستهلک شود .

ماده ۵) فارغ التحصیلهای آموزشگاههای عالی بهداشتی که پس از فراغ از تحصیل از انجام تعهد خدمتیکه سپرده اند خودداری کنند و یا آنکه بر حسب تشخیص کمیسیون فنی وزارت بهداشتی عدم شایستگی و سوء رفتار آنان ثابت شود علاوه بر اینکه سه برابر تمام کمک هزینه هائی که در مدت تحصیل دریافت کرده اند از آنها مسترد خواهد شد از اشتغال بهرگونه فن پزشکی در کشور ممنوع خواهند بود و نیز هیچیک از دوایر دولتی حق استخدام آنانرا بهیچ عنوان نخواهند داشت .

ماده ۶) بهداران پس از ایفای تعهد خود در وزارت بهداشتی بهیچوجه حق اشتغال بامور پزشکی نخواهند داشت مگر در بخشها و دهستانها .

ماده ۷) وزارت بهداشتی در بودجه هر سال اعتبار کافی برای اعطای کمک هزینه تحصیلی بدانشجویان آموزشگاههای بهداشتی منظور خواهد کرد .

ماده ۸) در صورتیکه وجود داوطلب برای آموزشگاههای بهداشتی بیش از حد مورد احتیاج با گنجایش و وسائل آموزشگاه باشد پذیرفتن داوطلب بطریق مسابقه بعمل خواهد آمد .

قوانین

ماده ۹ (آئین نامه های اجرای این لایحه قانونی را وزارت بهداشتی و دانشگاه تهران تهیه خواهند کرد .

ماده ۱۰ (وزارت بهداشتی و فرهنگ و دانشگاه تهران مأمور اجرای این لایحه قانونی خواهند بود .

ماده ۱۱ (از تاریخ تصویب این لایحه قانونی کلیه قوانین و مقرراتیکه بامواد مذکور در این لایحه قانونی مغایرت داشته باشد لغو و بلااثر میگردد .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ لایحه قانونی مربوط بققرات تحصیلی و استخدامی بهداران سشتمل بر ۱۱ ماده و ۴ تبصره تصویب میشود بتاريخ ۱۸ دیماه ۱۳۳۱

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۹۴ - تاریخ انتشار بیست و چهارم دیماه ۱۳۳۱ . شماره ۳۱۹۹۰ / ۲۱ / ۳۱/۱۰

لایحه قانونی مربوط بدفاتر و اوراق اداره کل ثبت

ماده ۱ - اداره کل ثبت مجاز است اوراق و دفاتر مخصوصی برای تنظیم اسناد رسمی وثبت شرکتهای تهیه و در دسترس دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و ثبت شرکتهای بگذارد و کلیه اسناد رسمی تنظیمی منحصرآ باید در اوراق و دفاتر مزبور تنظیم شود .

ماده ۳ - ترتیب فروش اوراق و دفاتر مذکور که بهای فروش آن طبق صورت ضمیمه تعیین می شود و بهای مزبور روی برگها و دفاتر مذکور باید قید شود و همچنین تعیین محل مصرف وجوه حاصل از درآمد حراج موضوع ماده ۹۴ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی بموجب آئین نامه خواهد بود که وزارت دادگستری آنرا تهیه و بموقع اجراء میگذارد .

ماده ۳ - وجوه حاصل از فروش اوراق دفاتر مزبور بدرآمد عمومی کشور منظور و ابتدا اعتباری که هر ساله برای تهیه چاپ اوراق و دفاتر نامبرده لازم است از این محل منظور و بقیه بانظر وزیر دادگستری بر بودجه مخارج وزارت دادگستری افزوده خواهد شد .

ماده ۴ - وزارت دادگستری و وزارت دارائی مأمور اجرای این لایحه قانونی است . برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی مربوط بدفاتر و اوراق اداره کل ثبت که سشتمل بر چهار ماده است تصویب میشود .

تاریخ ۲۱ - ۱۰ - ۱۳۳۱

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

بهاء فعلی بهائیکه در نظر گرفته شده مابدهالتفاوت			شرح
۱/۵۰	۱	۵۰٪	برگهای ربع ورقی
۲	۱/۵۰	۵۰٪	» نیم برگی
۲/۵۰	۲	۵۰٪	» یکبرگی

قوائین

بهاه فعلی	بهاییکه در نظر گرفته شده	مابه التفاوت	
۳۰	۳۵	۵	قبوض اقساطی
۷۰	۱۰۰	۳۰	نکاحیه جلد مخملی
۲۰	۲۵	۵	» » مقوائی
۵۰	۷۰	۲۰	» » کالیکو
۱۲	۱۵	۳	» » کاغذی
۱۵	۲۰	۵	طلانامه
۲۵	۳۵	۱۰	چک حق التحریر
۵۵۰	۶۵۰	۱۰۰	دفتر اسناد رسمی سر دفتر
۳۰۰	۳۵۰	۵۰	» » ازدواج
۳۰۰	۳۵۰	۵۰	» » طلاق
۱۰۰	۱۲۵	۲۵	» » حق التحریر
۱۵۰	۱۷۵	۲۵	دفتر فهرست اسناد رسمی
۱۰۰	۱۷۵	۷۵	دفتر گواهی امضاء
۱۷۷۶/۵۰		۳۵۴/۵۰	

۹۵ - تاریخ انتشار بیست و چهارم دیماه ۱۳۳۱ . شماره ۳۱۹۶۲ ۳۱/۱۰/۲۱

لایحه قانونی راجع بکالاهای وارده از طرف اداره همکاری فنی

ماده اول) کلیه کالاهائیکه طبق مقاله نامه مورخ ۲۹ و ۲۸ دیماه سال ۱۳۳۰ متعقد فیما بین دولت ایران و رئیس اداره همکاری فنی کشورهای متحده امریکا در ایران بکشور وارد شده و خواهد شد بلاعوض به دولت ایران واگذار گردیده و خواهد گردید و همچنین کلیه بذور و نهال و قلمه و نظایر آن که از طرف کمیسیون مشترک ایران و امریکا بمنظور اصلاح وضع کشاورزی ایران وارد شده و خواهد شد از هر نوع حقوق و عوارض گمرکی معاف است .

ماده دوم (وزارت دارائی مأمور اجرای این لایحه قانونی است

بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی راجع بکالاهای وارده از طرف اداره همکاری فنی مشتمل بر ۲ ماده تصویب میشود .

بتاریخ ۳۱/۱۰/۲۱ ۱۳۳۱

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۹۶ - تاریخ انتشار ۲۴ دیماه ۱۳۳۱ شماره ۳۱۹۶۴ ۳۱/۱۰/۲۱

لایحه قانونی تعدیل اجاره بها واحداث خانههای ارزان

ماده اول (از تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۳۱ ده درصد از مال الاجاره کلیه مستغلات از قبیل خانه - دکان - مغازه - مهمانخانه - نمایشگاه - یخچال - قهوهخانه - حمام - کاروانسرا

قوالین

انبار - آسیا - میدان های شهر و غیره که میزان اجاره بهای آن ها در ماه بیش از سه هزار ریال نباشد از طرف موجرین بفتح مستاجرین تخفیف داده میشود .

ماده دوم) از مال الاجاره کلیه مستغلات مذکور در ماده اول که بر طبق نرخ فعلی مالیات سپردارزند و میزان اجاره بهای آن ها در ماه بیش از سه هزار ریال میباشد ده در صد علاوه بر مالیات فعلی از مالکین آن (اعم از مالکین عین و منافع) دریافت و وصول خواهد شد .

تبصره) کلیه مستغلاتیکه محل کسب مالک است از لحاظ پرداخت این مالیات در حکم مستغلات اجاری محسوب و میزان مال الاجاره توسط دارائی با مقایسه مستغلات مشابه تعیین خواهد گردید .

ماده سوم) درآمد های حاصل از مالیات مستغلات که بموجب این لایحه قانونی وصول میشود در اختیار بانک ساختمان گذاشته خواهد شد تا بانک مزبور که اساسنامه آن ضمن لایحه قانونی جدا گانه بتصویب خواهد رسید بمصرف ساختن مسکن و خانه های ارزان قیمت در اراضی دولتی در مرکز و شهرستانها برساند و ساختمان های مزبور را با شرایط مناسب و سهل با قسط طویل المده بکسانیکه استحقاق آنرا دارند واگذار نموده یا بهبهای مناسب اجاره دهد .

در نقاطی که زمین دولتی موجود نباشد بانک ساختمان موظف است از محل درآمدهای حاصل از مالیات مذکور اراضی لازم را بقیمت عادلانه و بر طبق آئین نامه ای که بانک مزبور تنظیم خواهد نمود از مالکین خریداری نماید .

ماده چهارم) سایر مقررات قانونی مربوط به مالیات مستغلات در مورد اجرای این لایحه قانونی نیز لازم الرعایه میباشد .

ماده پنجم) وزارت دارائی و وزارت کشور و وزارت دادگستری مأمور اجرای این لایحه قانونی میشوند .

بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی تعدیل اجاره بها واحداث خانه های ارزان مشتمل بر پنج ماده و یک تبصره تصویب میشود .

بتاریخ ۲۱ دیماه ۱۳۳۱

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۹۷ - تاریخ انتشار چهارم بهمن ماه ۱۳۳۱ شماره ۳۲۰۳۰ ۲۷/۱۰/۳۱

لایحه قانونی امور مالی دانشگاه

بمنظور تعیین طرز اجرای استقلال مالی دانشگاه مصرح در ماده هفتم قانون تأسیس دانشگاه مصوب ۸ خردادماه ۱۳۱۳ و برای تسریع در حسن جریان امور فنی و بهداشتی و درمانی دانشکده پزشکی و بیمارستانهای ضمیمه آن مواد ذیل بتصویب میرسد :

فوائین

ماده ۱) بودجه سال بعد دانشگاه تا آخر مهرماه هر سال از طرف دانشگاه در دو قسمت زیر :

الف - بودجه دانشکده ها (باستثنای دانشکده پزشکی) و دانشسرای عالی و سایر مؤسسات ضمیمه .

ب - بودجه دانشکده پزشکی و بیمارستانها و مؤسسات تابعه آن .

تهیه و پس از تصویب کمیسیون مالی بصرح در ماده ۷ جهت منظور نمودن در بودجه کل کشور بوزارت دارائی فرستاده میشود .

ماده ۲) وزارت دارائی مکلف است در اول هر سه ماه اعتبار سه ماهه دانشگاه تهران را بمانده سه دوازدهم بودجه مصوبه آن سال و در صورتیکه بودجه آن سال بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده باشد بمانده سه دوازدهم بودجه سال قبل در اختیار دانشگاه بگذارد .

ماده ۳) دانشگاه حساب یا حسابهای مخصوصی با اطلاع خزانه داری کل در بانک ملی ایران باز نموده و اعتبارات دریافتی را بحسابهای مزبور منتقل و هزینه های مربوطه را از آن حسابها پرداخت خواهد نمود .

ماده ۴) رئیس حسابداری دانشگاه و رئیس حسابداری دانشکده پزشکی و بیمارستانها و مؤسسات ضمیمه آن از طرف وزارت دارائی تعیین و سمت ذیحسابی دانشگاه و دانشکده پزشکی را دارا میباشند

ماده ۵) حسابهای دانشگاه در آخر هر ماه با امضای رئیس دانشگاه و رئیس حسابداری دانشگاه تهیه و پس از گواهی ممیز حساب بوزارت دارائی فرستاده خواهد شد .

تبصره ۱) حسابهای دانشکده پزشکی و بیمارستانها و مؤسسات ضمیمه آن با امضای رئیس دانشکده پزشکی و رئیس حسابداری آن دانشکده خواهد بود .

تبصره ۲) دانشگاه موظف است در آخر هر سال وضع حساب سالانه و ترازنامه عملیات خود را بتصویب کمیسیون مالی رسانیده و با امضای ممیزین حساب بوزارت دارائی بفرستد .

ماده ۶) دانشکده پزشکی و بیمارستانها و مؤسسات تابعه آن مجاز است درآمدهای حاصله از آزمایشگاهها و بیمارستانها و قرارداد های منعقدہ باشکتهای بیمه و نظائر آنرا که برای معالجه بیماران بدست میآورد بتصویب کمیسیون مالی مذکور در ماه هفت بمصرف توسعه و تکمیل مؤسسات خود برساند سایر درآمدهای اختصاصی دانشگاه بتصویب شورای دانشگاه بمصرف توسعه و تکمیل سایر مؤسسات دانشگاه خواهد رسید .

ماده ۷) بدانشگاه اجازه داده میشود که کلیه احتیاجات خود را بدون رعایت تشریفات مناقصه تحت نظر کمیسیون مالی مرکب از رئیس دانشگاه که نمایندگی وزیر فرهنگ را خواهد داشت و معاون وزارت دارائی و رئیس دانشکده پزشکی و دو نفر از استادان بالینی دانشکده پزشکی با انتخاب شورای دانشگاه و رئیس حسابداری دانشگاه و رئیس حسابداری دانشکده پزشکی و نماینده بانک ملی ایران بکمترین بهای ممکنه تهیه نماید .

قوانین

ماده ۸) هیچکدام از کارمندان فنی و اداری دانشگاه و اعضاء کمیسیون مالی حق معامله با دانشگاه را مستقیم یا غیر مستقیم نخواهد داشت و در صورت دخالت از خدمت منفصل خواهند شد .

ماده ۹) نظر بوضع خاصی که دانشگاه و مؤسسات ضمیمه و مخصوصاً دانشکده پزشکی و بیمارستانها و مؤسسات تابعه آن دارد و نوع کار آنها با ساعات اداری مطابقت نمیکند کمیسیون مالی آئین نامه مخصوصی که به تصویب شورای دانشگاه رسیده باشد جهت هزینه های عمومی و پرداخت فوق العاده مخصوص برای هر طبقه از کارکنان که تمام وقت آنها صرف امور مربوط به دانشگاه و بیمارستانها میشود وضع و تصویب خواهد نمود و این فوق العاده از محل بودجه دانشگاه و دانشکده پزشکی قابل پرداخت میباشد .

ماده ۱۰) هرگاه مؤسسات دیگری از قبیل دانشکده ها و آموزشگاهها در مرکز و شهرستانها ضمیمه دانشگاه و دانشکده پزشکی شود مشمول مقررات این لایحه قانونی خواهد بود .

ماده ۱۱) وزارت دارائی و وزارت فرهنگ سأسوراجرای این لایحه قانونی میباشد برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی امور مالی دانشگاه مشتمل بر ۱۱ ماده و دو تبصره تصویب میشود .

بتاریخ ۲۷ دیماه ۱۳۳۱
نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۹۸ - تاریخ انتشار ششم بهمن ماه ۱۳۳۱ شماره ۳۲۰۴۴ ۳۱/۱۰/۲۹

لایحه اصلاحی لایحه قانونی اجرای بودجه سازمانی وزارتخانه ها و بنگاههای دولتی

ماده ۱) قسمت اول تبصره (۲) از ماده (۴) لایحه قانونی اجرای بودجه سازمانی وزارتخانه ها و بنگاههای دولتی باین طریق اصلاح میشود .

« هر یک از کارمندان دولت که از تاریخ تصویب تا مدت یکماه قبل از انقضای مدت اجرای این لایحه قانونی شخصاً درخواست بازنشستگی نماید در صورتی که با بازنشسته شدن او موافقت شود از مزایای بشرح زیر استفاده خواهد نمود » .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مردادماه ۱۳۳۱ لایحه اصلاحی لایحه قانونی اجرای بودجه سازمانی وزارتخانه ها و بنگاههای دولتی مشتمل بر یک ماده تصویب میشود .

بتاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۳۱

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

فوالین

۹۹ - تاریخ انتشار ششم بهمن ماه ۱۳۳۱ شماره ۳۲۰۴۶ ۱۹ - ۱۰ - ۳۱

لایحه قانونی متمم لایحه قانونی شهرداری

ماده اول (بماده (۱۱) لایحه قانونی شهرداری تبصره ذیل اضافه میشود .

« تبصره - در شهرها و قصباتی که برطبق بند ۵ از ماده ۴ بسه حوزه تقسیم میشوند هر گاه دعوت بیست و چهار نفر طبقات هفتگانه و معتمدین حوزه بمنظور انتخاب انجمن نظارت متعسر باشد کمیسیون میتواند به تشکیل یکک انجمن نظارت برطبق ماده ۱۱ برای یکک حوزه اکتفا نموده و برای سایر حوزه ها هفت نفر از معتمدین حوزه را که واجد شرائط انتخاب شدن باشند برای تشکیل انجمن نظارت آن حوزه دعوت نماید .

ماده دوم (وزارت کشور و دادگستری و بهداری و فرهنگ مأمور اجرای این لایحه قانونی میباشند .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مردادماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی متمم لایحه قانونی شهرداری مشتمل بر دو ماده تصویب میشود .

بتاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۳۱

نخست وزیر . دکتر محمد مصدق

۱۰۰ - تاریخ انتشار ششم بهمن ماه ۱۳۳۱ شماره ۳۲۰۴۲ ۲۹ / ۱۰ / ۳۱

لایحه قانونی پرداخت مستمری بوارث افسران و درجه داران و همردیفان و سایر مستخدمین ارتش

ماده واحده (وزارت دارائی مکلف است بوارث قانونی افسران و درجه داران و همردیفان آنان و سایر مستخدمین ارتش که از اول فروردینماه ۳۲۸ در راه انجام وظیفه تلف و یا مقتول شده و میشوند بمیزان آخرین حقوق و کمک و مزایای ثابت قانونی وظیفه پرداخت نماید .

تبصره - تشخیص اینکه مأمورین مذکور در راه انجام وظیفه و مأموریت رسمی مقتول یا تلف شده اند و تعیین سهم هر یک از ورثه بنا بپیشنهاد وزارت دفاع ملی باهیئت وزیران خواهد بود .

برطبق قانون اعطاء اختیارات مصوب بیستم مردادماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی پرداخت مستمری بوارث مستخدمین لشگری که در راه انجام وظیفه کشته شده یا میشوند مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره تصویب میشود .

بتاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۳۱

نخست وزیر . دکتر محمد مصدق

قوالمین

۱۰۱ - تاریخ انتشار ششم بهمن ماه ۱۳۳۱ شماره ۳۶۲۲۴ ۳۳۱-۱۱-۱

لایحه قانونی مربوط بغير قابل تجدید نظر بودن احکام دیوان کشور در مورد شکایت استخدامی

ماده واحده - احکام دیوان عالی کشور در مورد شکایات استخدامی قطعی و غیر قابل تجدید نظر است .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی مربوط بغير قابل تجدید نظر بودن احکام دیوان کشور در مورد شکایت استخدامی مشتمل بر ماده واحده تصویب میشود .

بتاریخ اول بهمن ماه ۳۱
نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۰۲ - تاریخ انتشار ششم بهمن ماه ۱۳۳۱ شماره ۳۶۲۲۲ ۳۳۱/۱۱/۱

لایحه قانونی اصلاح ماده ۴۳۰ مکرر آئین دادرسی کیفری

ماده اول (ماده ۴۳۰ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری بشرح زیر اصلاح میشود:
ماده ۴۳۰ - اگر دادستان دیوان عالی کشور تشخیص دهد که دلایل و قرائن و شواهد موجود در پرونده مخالف اصول و کیفیاتی است که دانشگاه مستند استنباط خود در تقصیر یا براءت متهم و یا تشدید و تخفیف میزان مجازات قرار داده میتواند برای یک مرتبه نسبت بفراموشی از این حیث رسیدگی و شکستن حکم را از دیوان عالی کشور تقاضا نماید در اینصورت دیوان عالی کشور اگر در نتیجه رسیدگی نظریه دادستان را موجه دید حکم فرجام خواسته را میشکند .

مدت تقاضای فرجام ماهوی فقط تا یک ماه از تاریخ اعلام حکم در دادگاه حاکمه خواهد بود .

تبصره (رسیدگی فرجامی نسبت باحکامی که پس از ارجاع دیوان عالی کشور از دادگاهها صادر میشود مطابق مقررات جاریه بعمل خواهد آمد .

ماده دوم (وزارت دادگستری مأمور اجرای این لایحه قانونی است .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی اصلاح ماده ۴۳۰ مکرر آئین دادرسی مشتمل بر دو ماده و یک تبصره تصویب میشود .

بتاریخ اول بهمن ماه ۱۳۳۱
نخست وزیر - دکتر محمد مصدق